



یک کمپلکس زراعتی به ارزش ۱۰۰ میلیون دالر در قندهار ساخته می‌شود



روند ساخت یک کمپلکس زراعتی در قندهار آغاز شد و کار ساخت آن قرار است تا سه سال دیگر تکمیل شود. مسوولان محلی می‌گویند که این کمپلکس در مساحت یک هزار و ۱۰۰ جریب زمین در شهرک عینو مینه ساخته می‌شود و زمینه خوب پیشرفت اقتصادی را برای دهقانان حوزه جنوب فراهم می‌کند. بودجه ساخت این کمپلکس ۱۰۰ میلیون دالر است و در سه بخش ساخته می‌شود. مسوولان در وزارت زراعت می‌گویند که قرار است تولیدات زراعتی ولایت‌های قندهار، هلمند، زابل و ارزگان در این کمپلکس پروسوس و سپس متناسب با معیار جهانی صادر شود. بدین ترتیب با آغاز فعالیت این کمپلکس، زمینه کار برای ۲۶ هزار کارگر و ۱۸۰ هزار دهقان فراهم می‌شود.



گام دیگر در کاهش نیروهای امریکایی؛

میدان‌های نبرد حتما در فصل سرما داغ است

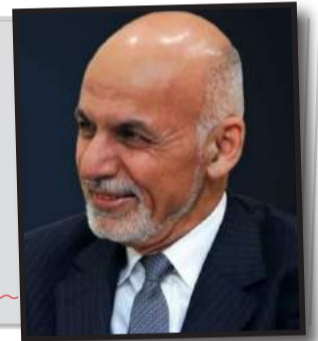
۳

درام تراژیک؛ مسیر دشوار آینده

۴

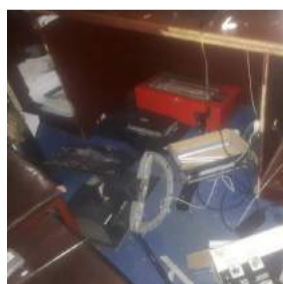
جناب رییس جمهور، بیش از این مردم را دست کم نگیرید

در سال ۲۰۱۴، وقتی اشرف غنی رییس جمهور افغانستان شد، کارش را با وعده‌های کلان آغاز کرد. در آن روزها، آن سخنان رییس جمهور امید ایجاد می‌کرد و همه فکر می‌کردند که آقای غنی به عنوان مدیر کارکشته بانک جهانی و کسی که دانش و تجربه کافی در عرصه توسعه دارد، می‌تواند از عهده آن چه می‌گوید برآید.



حمله نمازگزاران بر یک رادیوی محلی در کندز

۸ صبح، کابل: مرکز خبرنگاران افغانستان اعلام کرده است که در پی صحبت تحریک‌آمیز یک ملا امام در کندز علیه رسانه‌ها، دهها نمازگزار به دفتر رادیو زهره حمله کرده و به تأسیسات آن آسیب جدی رسانده‌اند. طبق اعلام مرکز خبرنگاران افغانستان، این رویداد روز جمعه، بیست‌وششم جدی در ناحیه اول شهر کندز رخ داده است و نمازگزاران به تحریک پیش‌نماز مسجد فیروزکوهی در این منطقه به دفتر رادیو زهره حمله کرده‌اند. پولیس کندز وقوع این رویداد را تأیید کرده است.



امریکا شمار سربازان خود را در افغانستان به دو هزار و ۵۰۰ تن کاهش داد

شرایط است. به گفته کریستوفر میلر، ایالات متحده بیش از هر زمان دیگر به پایان دادن به حدود دو دهه جنگ در افغانستان نزدیک شده است و از روند صلح به رهبری افغان‌ها که منتج به دستیابی به یک توافق سیاسی و آتش‌بس جامع شده، استقبال می‌کند. سرپرست وزارت دفاع امریکا تأکید کرده است که فرماندهان نظامی امریکا نیروی لازم را برای حفظ منافع و امنیت مردم امریکا در اختیار دارند. کریستوفر میلر تأکید کرده است که امریکا در کنار سایر شرکای خود در ناتو کار می‌کند و به اجرای مأموریت ضد تروریسم، آموزش، مشورت‌دهی و حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان متعهد است. به گفته او، امریکا با انجام این مأموریت در تلاش است تا اطمینان حاصل کند که افغانستان به عنوان مکان امن برای

۸ صبح، کابل: وزارت دفاع امریکا روز جمعه، بیست‌وششم جدی اعلام کرد که شمار نیروهای این کشور در افغانستان به دو هزار و ۵۰۰ تن کاهش یافته است. کریستوفر میلر، سرپرست وزارت دفاع امریکا در اواخر ماه عقرب در نشست در مقر پنتاگون گفته بود که شمار نیروهای امریکایی تا پانزدهم ماه جنوری در افغانستان به دو هزار و ۵۰۰ تن خواهد رسید. او در بیانیه‌ی تازه خود گفته است، براساس هدایت دونالد ترمپ، رییس جمهور امریکا مطابق برنامه اعلام شده، شمار نیروهای امریکایی در افغانستان کاهش یافته است. سرپرست وزارت دفاع امریکا می‌گوید که اداره تحت امر او در تلاش برنامه‌ریزی برای خروج کامل سربازان امریکایی در ماه می ۲۰۲۱ است، اما هرگونه خروج به گفته او، مبتنی بر

روایتی از دو سرباز زن؛ مادر و دختر هم‌رزم در ارتش



در روزهایی که زنان در افغانستان نگران آینده‌ای مبهم هستند و ترس محدودیت نقش‌آفرینی آن‌ها در جامعه وجود دارد، حضور یک مادر و دخترش در صف نیروهای ارتش، سبب دل‌گرمی بسیاری از زنان شده است. لیلیا، حدود نه سال پیش به ارتش ملی کشور پیوست و چهار ماه می‌شود که با تشویق او، دخترش آمنه نیز لباس نظامی بر تن کرده و با نیروهای ارتش در...

۷



آریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

انتقال مریضان با خدمات ویژه
به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI DEP: 10:00 AM Local Time ARR: 01:00 PM Local Time
DELHI - KABUL DEP: 02:30 PM Local Time ARR: 03:30 PM Local Time

Facebook Twitter Instagram LinkedIn WhatsApp | +93 (0) 790 07 1333 | flyariana.com | 1333



#آریانا_از_شماست



میز مذاکرات را گرم کنید

دور دوم مذاکرات صلح ده روز پیش شروع شد. در این مدت، پیشرفتی در مذاکرات دیده نشده است. گفته شده است که بخشی از اعضای هیأت طالبان در این مدت غایب بوده‌اند. یکی از دلایل این غیابت، احتمالاً اختلاف نظر بین هیأت طالبان بوده است. به همین دلیل و شاید دلایل دیگر، تنها یک نشست مقدماتی و یک نشست فنی در مدت ده روز گذشته بین هیأت‌های دو طرف برگزار شده است.

در نشست مقدماتی توافق شده بود که تیم‌های فنی دو طرف روی تنظیم و توحید موضوعات مورد بحث در مذاکرات کار کنند. به رغم آن که روزها از این توافق سپری شده، اما نتایج کار این تیم‌ها مشخص نشده است. به درستی روشن نیست که عوامل اصلی تعلیق یا تعویق نشست‌های تیم‌های فنی چه بوده است. با این وصف، می‌توان گمان برد که اختلافات عمیق دیدگاه بین دو طرف روی چگونگی ترتیب و توحید موضوعات، عامل اصلی به تأخیر افتادن نشست‌های بعدی تیم‌های فنی بوده است. ضمن آن که بعضی از اعضای هیأت طالبان نیز در پاکستان به سر می‌برند.

دور دوم مذاکرات تا این دم با سردی دنبال شده است. انتظار نمی‌رفت که هیأت‌های دو طرف طی ده روز نتوانند وارد مذاکره روی موضوعات مورد بحث شوند. این در حالی است که تیم‌های فنی هیأت‌های دولت و طالبان تاکنون موفق به ترتیب و توحید این موضوعات هم نشده‌اند. این ناتوانی می‌رساند که فضای مذاکرات در دور دوم به شدت سرد است.

اختلاف دیدگاه بین طرف‌های مذاکره روی چگونگی ترتیب و توحید موضوعات مورد بحث، یک امر طبیعی است. هیأت‌های دولت و طالبان از دو حوزه کاملاً متفاوت سیاسی و ایدئولوژیک نماینده می‌کنند. آن‌ها سال‌هاست که با هم در جنگ مسلحانه به سر می‌برند و هرکدام به یک نوع نظام سیاسی دل بسته است. بدیهی است که اختلاف دیدگاه بین دو طرف موجود است و رفع فوری آن ممکن نیست.

وظیفه هیأت‌های مذاکره‌کننده، رفع همین اختلافات و توافق روی بنیادهای مشترک برای تنظیم مناسبات آینده است. تیم‌های فنی دو طرف مسوولیت دارند که نقاط اختلافی درباره ترتیب و توحید موضوعات مورد بحث را کشف و برای آن راه‌حل مناسب پیدا کنند. بسیار ناامیدکننده است که این تیم‌ها اولاً موفق به برگزاری نشست‌های آتی نشده و دوماً نتوانسته‌اند در مدت قریب به یک‌ونیم هفته نتایج کارشان را گزارش کنند. این یک ضعف بزرگ و نشانه بی‌اعتنایی دو طرف به عنصر زمان و موضوع سرعت در مذاکرات است.

روشن است که مذاکرات روی موضوعات مورد بحث تا زمانی که موضوعات دو طرف ترتیب و توحید نشود، آغاز نخواهد شد. کم‌کاری و یا ناتوانی تیم‌های فنی در ترتیب و توحید موضوعات مورد بحث، باعث تأخیر در نشست‌های عمومی خواهد شد. از این‌رو، می‌طلبند که تیم‌های فنی دو طرف به مأموریت خود سرعت بیش‌تر بدهند و موارد اختلافی را با انعطاف و منطوق رفع کنند. بسیار شرم‌آور خواهد بود که این تیم‌ها نتوانند بسته موضوعات مورد بحث را برای ارایه در نشست عمومی در یک بازه زمانی مناسب آماده کنند. برای این کار گمان نمی‌شود که بیش از چهار نشست و یک هفته زمان نیاز باشد. زیرا کار این تیم‌ها صرفاً ترتیب و توحید موضوعات مورد بحث از حیث اهمیت و ترجیحات موضوعات است. بحث درباره این موضوعات کار نشست عمومی است. تنها در این مرحله منطقی می‌نماید که بحث روی موضوعات زمان ببرد.

در حالی که فضای مذاکرات صلح در قطر بسیار سرد است، این‌جا در افغانستان، میدان جنگ بسیار گرم است. در روزهای اخیر دست‌کم در شش ولایت به شمول قندهار، ارزگان، هلمند، غزنی، لوگر و کندز، جنگ شدید بین نیروهای دولتی و جنگ‌جویان طالبان در جریان بوده است. در این جنگ‌ها به شمول غیرنظامیان، ده‌ها نفر کشته شده‌اند. ضمن آن که جنگ در سایر ولایات نیز تلفاتی به همراه داشته است.

توقع می‌رفت که با شروع دور دوم مذاکرات، در اولین اقدام، روی کاهش خشونت‌ها توافق شود. متأسفانه با سرد بودن میز مذاکرات، دیده می‌شود که میدان جنگ به شدت گرم شده است؛ طوری که گویا اراده دو طرف کاهش خشونت‌ها و یا به نتیجه‌رسانیدن مذاکرات نیست.

اگر نیت طرف‌ها پایان دادن به جنگ از راه مذاکره است، باید به این مذاکرات سرعت داده شود. مذاکرات کنونی کاملاً بی‌روح و بی‌مقصد است و طبق انتظارات عمومی از سرعت و استحکام لازم برخوردار نیست. برای مردم تنها حضور هیأت‌ها در قطر و دیدار آن‌ها با یکدیگر مهم نیست، بلکه مهم‌تر از آن، نتایج این حضور و تأثیر آن روی وضعیت موجود است. با وصف آن که حدود چهار ماه از شروع مذاکرات صلح در دوحه سپری شده است، مردم اما شاهد هیچ تغییری در وضعیت نبوده‌اند. درست است که جنگ در افغانستان به صورت یک‌شنبه پایان نخواهد یافت، اما این درست نیست که پس از ماه‌ها مذاکره، کوچک‌ترین روزنه امید هم نسبت به آینده به میان نیاید. تازه این مذاکرات سرد و جنگ گرم، مردم را نسبت به آینده ناامیدتر نیز کرده است. بنابراین، توقع مردم افغانستان و جامعه جهانی آن است که به مذاکرات سرعت لازم داده شود و در ادامه آن دست‌کم روی کاهش خشونت‌ها نیز توافق حاصل شود.

انفجار در کابل یک کشته برجای گذاشت



۸صبح، کابل: پولیس کابل می‌گوید در پی انفجار یک حلقه ماین در ناحیه هفدهم شهر کابل یک تن کشته و یک تن دیگر زخمی شده است. فردوس فرامرز، سخنگوی پولیس کابل، به روزنامه ۸صبح گفت که این انفجار ساعت ۴:۵۰ پس از چاشت روز جمعه، بیست‌وششم جدی در ساحه سر کوتل خیرخانه از مربوطات ناحیه هفدهم شهر کابل رخ داده است. به گفته او، در این انفجار یک موتر نوع کرولا هدف قرار گرفته است. فرامرز درباره هویت قربانیان انفجار معلومات نداده است. سخنگوی پولیس کابل گفت که در این انفجار

یک کودک هفت ماهه از شفاخانه ولایت بامیان ربوده شد



۸صبح، کابل: پولیس بامیان تأیید می‌کند که یک کودک هفت ماهه از شفاخانه ولایتی این ولایت ربوده شده است. زبردست صافی، فرمانده پولیس بامیان روز جمعه، بیست‌وششم جدی به روزنامه ۸صبح گفت، تصاویری که از دوربین‌های مداربسته در داخل شفاخانه به دست آمده است، نشان می‌دهد که این کودک توسط یک زن ربوده شده است. او گفت که کار جدی برای بازداشت رباینده این کودک که تصاویرش به دست پولیس افتاده است، جریان دارد. به گفته فرمانده پولیس بامیان، شفاخانه ولایتی با میان به نام آغاخان مجهز با کمره‌های دوربین

هشت بیمار کرونایی در شبانه‌روز گذشته در کشور جان باختند



۸صبح، کابل: طبق اعلام وزارت صحت عامه در شبانه‌روز گذشته هشت بیمار کرونایی در کشور جان باخته‌اند. وزارت صحت عامه روز جمعه، بیست‌وششم جدی با نشر آمار روزانه‌ی ابتلا به ویروس کرونا اعلام کرد که در ۲۴ ساعت گذشته ۱۰۴ بیمار جدید کرونایی نیز شناسایی شده‌اند. این نتیجه از آزمایش یک هزار و ۶۶۸ نمونه مشکوک به کرونا به دست آمده است. هم‌چنان در شبانه‌روز گذشته ۳۲۹ بیمار کرونایی صحت‌یاب شده‌اند. با ثبت ارقام جدید، شمار مبتلایان به کرونا در کشور به ۵۳ هزار و ۹۳۵ تن و شمار قربانیان به دو هزار و ۳۳۶ تن رسیده است.

انفجار موتر بمب در غزنی؛ یک راننده کشته شد و هفت سرباز ارتش زخمی شدند



۸صبح، کابل: مسوولان در ولایت غزنی می‌گویند که در پی انفجار یک موتر بمب‌گذاری‌شده در مسیر شاهراه کابل - هرات یک راننده موتر باربری بزرگ کشته شده است و هفت تن از نیروهای ارتش زخمی شده‌اند. وزارت دفاع ملی اعلام کرده است که در این منطقه هشت عضو گروه طالبان کشته شده‌اند.

این رویداد ساعت ۳:۰۰ بامداد روز جمعه، بیست‌وششم جدی در منطقه نانو از مربوطات غزنی در مسیر شاهراه کابل - هرات رخ داده است.

واحدالله جمعه‌زاده، سخنگوی والی غزنی می‌گوید که افراد گروه طالبان می‌خواستند با یک هاموی پر از مواد انفجاری به یک پاسگاه امنیتی حمله کنند که پیش از رسیدن به هدف، توسط نیروهای امنیتی شناسایی و از بین برده شد.

سخنگوی والی غزنی گفت که در اثر این انفجار یک راننده موتر باربری بزرگ کشته شد.

جمعه‌زاده افزود که هفت سرباز ارتش نیز در این انفجار زخمی شده‌اند و پس از انفجار درگیری نیز رخ داده است.

سخنگوی والی غزنی گفت که این درگیری پس از مداخله نیروهای هوایی خاتمه یافته است.

از جانب دیگر احمدخان سیرت، سخنگوی پولیس غزنی می‌گوید که پنج مورد حمله طالبان در جریان شب گذشته توسط پولیس غزنی عقب زده شده است.

به گفته او، گروه طالبان حملات گسترده‌ای را بر مأموریت سمت چهارم حوزه دوم امنیتی شهر غزنی، دره قیاق ولسوالی جغتو، مربوطات ولسوالی‌های دهیک و قره‌باغ و مسیر شاهراه کابل - هرات اجرا کرد که توسط نیروهای امنیتی عقب زده شده است. واحدالله جمعه‌زاده، سخنگوی والی گفت که در پی این حملات ۱۱ عضو گروه طالبان کشته شده‌اند.

گروه طالبان تاکنون در این مورد چیزی نگفته است.

یک کشته و پنج زخمی در پی شورش در زندان فاریاب

۸صبح، کابل: پولیس فاریاب اعلام کرده است که در پی شورش در زندان این ولایت یک زندانی کشته و پنج زندانی دیگر زخمی شده‌اند. عبدالکریم یورش، سخنگوی پولیس فاریاب می‌گوید که این شورش در داخل زندان ساعت ۵:۰۰ شام روز پنج‌شنبه، بیست‌وپنجم جدی پس از جنجال شماری از زندانیان در مدیریت زندان فاریاب اتفاق افتاده است.

او گفت که پولیس پس از اطلاع از این رویداد ضمن تأمین امنیت بیرون زندان، زندانیان شورش را که به محوطه زندان رسیده بودند، دوباره به بلاک‌های‌شان باز گرداندند.

به گفته سخنگوی پولیس فاریاب، در نتیجه این شورش، یک زندانی کشته شده است و پنج زندانی دیگر زخم برداشته‌اند.

سخنگوی پولیس فاریاب افزود که پولیس این قضیه را در حضور داشت دادستان‌ها بررسی می‌کند. اداره تنظیم امور زندان‌ها تاکنون در این مورد چیزی نگفته است. پیش از این در ولایت‌های دیگر نیز رویدادهای مشابه رخ داده است. شماری از زندانیان چندی قبل در ولایت هرات نیز دست به شورش زده بودند که در اثر آن شماری از زندانیان کشته شدند.

گام دیگر در کاهش نیروهای امریکایی؛

میدان‌های نبرد حتا در فصل سرما داغ است



حسیب پهل

شده است. این در حالی است که در جریان روزهای اخیر مواردی از درگیری‌ها در کندز، غزنی، بلخ، بغلان، هرات، کنر، ارزگان، قندهار، هلمند، خوست، لوگر، جوزجان، ننگرهار، بدخشان، پکتیا و برخی دیگر از ولایت‌ها ثبت شده است. هرچند خشونت‌ها طبق معمول در فصل سرما کاهش می‌یافت، اما آمارها از میدان‌های جنگ نشان می‌دهد که درگیری‌ها میان دو طرف در سال جاری هم‌چنان به شدت ادامه یافته است. این درگیری‌ها در حالی شدت می‌گیرد که مذاکرات صلح در قطر ادامه دارد. هیأت‌های مذاکره‌کننده دولت و طالبان اما تاکنون روی مواردی که بتواند از گرمای میدان‌های جنگ بکاهد، توافق نکرده‌اند. پیش‌تر هیأت دولت از برقراری آتش‌بس به عنوان مهم‌ترین موضوع دور دوم مذاکرات نام برده بود، اما طالبان این مورد را به عنوان آخرین گزینه در میز مذاکره مطرح کرده‌اند. هم‌زمان با دوام جنگ و مذاکرات صلح، امریکا اعلام کرد که شمار سربازان این کشور در افغانستان به پایین‌ترین سطح در ۱۹ سال اخیر رسیده است. هرچند دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا، این موضوع را تصریح کرد، اما در مورد شمار دقیق سربازان امریکایی در افغانستان معلومات نداد. براساس توافق‌نامه صلح دوحه، شمار سربازان امریکایی در افغان باید تا روز جمعه، بیست‌وششم جدی، به دو هزار و ۵۰۰ تن کاهش می‌یافت. براساس این توافق، نیروهای امریکایی تا ماه می سال روان، به گونه کامل افغانستان را ترک می‌کنند.

مقام‌های محلی در غزنی نیز روز جمعه تأیید کردند که در پی یک انفجار در مسیر شاهراه کابل-هرات، یک راننده موتر باربری کشته شده و هفت نیروی ارتش نیز زخمی شده‌اند. واحدالله جمع‌زاده، سخنگوی والی غزنی، اما گفت که افراد طالبان می‌خواستند با یک هاموی پر از مواد انفجاری بر یک پاسگاه امنیتی حمله کنند، اما این هاموی پیش از رسیدن به هدف، شناسایی و از بین برده شده است. او هم‌چنان مرگ یک راننده موتر باربری و زخمی شدن هفت سرباز را تأیید کرد و گفته که پس از این انفجار درگیری نیز رخ داده است. به گفته آقای جمع‌زاده، این درگیری پس از مداخله نیروهای هوایی پایان یافته است. این در حالی است که به گفته مسوولان امنیتی در این ولایت، طالبان پنج حمله را در جریان پنج‌شنبه‌شب بر پاسگاه‌های امنیتی در این ولایت سازمان‌دهی کرده بودند که عقب زده شده است. به گفته مسوولان، ۱۱ جنگ‌جوی طالبان نیز در جریان این درگیری‌ها کشته شده‌اند.

این تلفات تنها در جریان یک شبانه‌روز به دو طرف وارد

بر اساس معلومات ارایه شده از سوی طرف‌های درگیر، دهه‌ها تن از نیروهای امنیتی و جنگ‌جویان طالبان در جریان روزهای اخیر کشته شده‌اند. وزارت دفاع ملی روز جمعه، بیست‌وششم جدی، اعلام کرد که تنها در جریان یک شبانه‌روز، ۱۱۸ جنگ‌جوی طالبان کشته و ۳۶ تن دیگرشان زخمی شده‌اند. فواد امان، معاون سخنگوی وزارت دفاع ملی، تصریح کرد که این تلفات در جریان درگیری‌ها و حملات متقابل نیروهای امنیتی در چهارچوب حالت «دفاع فعال» به طالبان وارد شده است. افزون بر این، آقای امان گفت که در این جریان ۱۰ عضو دیگر گروه طالبان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند.

امنیتی ۱۷ حلقه ماین را که توسط گروه طالبان در نقاط مختلف جابه‌جا شده بود، کشف و خنثا کرده‌اند. وزارت دفاع ملی اما در مورد تلفاتی که در جریان نبردها به نیروهای امنیتی وارد شده است، معلومات نداد. با این حال منابع محلی در ولایت‌های کندز و غزنی گفته‌اند که در جریان حملات گروه طالبان بر مواضع نیروهای امنیتی، به ارتش تلفاتی وارد شده است. یوسف ایوبی، رییس شورای ولایتی کندز، روز جمعه، بیست‌وششم جدی، به روزنامه ۸ صبح گفت که در نتیجه حمله طالبان بر یک پاسگاه امنیتی در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز، هفت نیروی امنیتی کشته و ۱۲ تن دیگرشان زخمی شده‌اند.

هم‌زمان با ادامه دور دوم مذاکرات بین‌الافغانی، گزارش‌های پی‌هم از تلفات دو طرف در میدان‌های جنگ نشر می‌شود. وزارت دفاع ملی روز جمعه اعلام کرد که در جریان یک شبانه‌روز، بیش از ۱۶۰ جنگ‌جوی گروه طالبان کشته یا زخمی شده‌اند. علاوه بر این آمار، این وزارت تصریح کرد که ۱۰ تن از اعضای این گروه نیز بازداشت شده‌اند. طالبان نیز گفته‌اند که در نتیجه حملات بر مواضع نیروهای امنیتی در غزنی و شماری دیگر از ولایت‌ها، تلفاتی را به نیروهای امنیتی وارد کرده‌اند. پیش از این، خشونت‌ها در فصل سرما کاهش می‌یافت، اما در سال جاری این خشونت در بیش از ۲۰ ولایت هم‌چنان ادامه دارد. این تلفات در حالی وارد می‌شود که دور دوم مذاکرات صلح در قطر ادامه یافته، اما دو طرف هنوز روی مواردی که از خشونت‌ها بکاهد، توافق نکرده‌اند. این در حالی است که بر اساس اعلام امریکا، شمار نیروهای این کشور در افغانستان هم اکنون به پایین‌ترین سطح در ۱۹ سال اخیر رسیده است. آمارهای نشر شده از میدان‌های جنگ نشان می‌دهد که با وجود رسیدن فصل سرما، از شدت جنگ کاسته نشده است. براساس معلومات ارایه شده از سوی طرف‌های درگیر، دهه‌ها تن از نیروهای امنیتی و جنگ‌جویان طالبان در جریان روزهای اخیر کشته شده‌اند. وزارت دفاع ملی روز جمعه، بیست‌وششم جدی، اعلام کرد که تنها در جریان یک شبانه‌روز، ۱۱۸ جنگ‌جوی طالبان کشته و ۳۶ تن دیگرشان زخمی شده‌اند. فواد امان، معاون سخنگوی وزارت دفاع ملی، تصریح کرد که این تلفات در جریان درگیری‌ها و حملات متقابل نیروهای امنیتی در چهارچوب حالت «دفاع فعال» به طالبان وارد شده است. افزون بر این، آقای امان گفت که در این جریان ۱۰ عضو دیگر گروه طالبان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. آقای امان گفت که این درگیری‌ها در ولایت‌های کنر، غزنی، ارزگان، کندز، قندهار و هلمند رخ داده است. معاون سخنگوی وزارت دفاع ملی افزود که نیروهای



این کمپلکس زراعتی در شهرک عینو مینه قندهار ساخته می‌شود و یک هزار و ۱۰۰ جریب زمین برای آن در نظر گرفته شده است. قرار است مرحله اول آن به ارزش ۳۰ میلیون دالر تکمیل شود و زمینه صادرات ۸۸ هزار متریک تن میوه و سبزیجات را با معیار جهانی به سایر کشورها فراهم کند. در ادامه نیز فابریک‌های پروسس انار، انگور، انجیر و شکرپاره ساخته می‌شود و سرانجام این روند با ساخت مکان‌ها برای تولید تخم اصلاح شده، پروسس لبنیات و تصفیه‌خانه‌های آرد و بوره، تکمیل می‌شود.



احمد شاه شاداب

معیار جهانی به سایر کشورها فراهم کند. در ادامه نیز فابریک‌های پروسس انار، انگور، انجیر و شکرپاره ساخته می‌شود و سرانجام این روند با ساخت مکان‌ها برای تولید تخم اصلاح شده، پروسس لبنیات و تصفیه‌خانه‌های آرد و بوره، تکمیل می‌شود. حشمت‌الله غفوری، معین وزارت زراعت، آبیاری و مالداری، گفت که این مرکز زمینه زراعت و تجارت را در کشور فراهم می‌کند. به گفته او، در این کمپلکس قرار است حاصلات زراعتی ولایت‌های قندهار، هلمند، زابل و ارزگان پروسس و سپس با معیارهای جهانی به خارج از کشور صادر شود. براساس معلومات مسوولان، با ساخت این کمپلکس برای ۲۶ هزار نفر زمینه کار فراهم می‌شود. هم‌چنان ساخت این کمپلکس سبب می‌شود که ۱۸۰ هزار دهقان حاصلات زراعتی‌شان را در آن پروسس کنند و بدین ترتیب پس از فروش آن، درآمد بیش‌تر و بهتری به دست بیاورند.

دهقانان و تاجران در قندهار از ساخت کمپلکس زراعتی ابراز خرسندی می‌کنند و معتقد اند که آغاز فعالیت این کمپلکس برای فروش حاصلات زراعتی، بازاریابی و صادرات مفید تمام می‌شود. به گفته آنان، افغانستان حاصلات مناسب زراعتی دارد، اما معیاری نشدن این حاصلات با بازار جهانی از مواردی است که سبب می‌شود تا حاصلات به خارج از کشور فرستاده نشود. به گفته این دهقانان و تاجران، اکنون با ساخت کمپلکس زراعتی در شهرک عینو مینه قندهار، حاصلات مناسب برای فروش به بازارهای جهانی عرضه خواهد شد. دهقانان قندهاری پیش از این بارها از نبود بازار

یک کمپلکس زراعتی به ارزش ۱۰۰ میلیون دالر در قندهار ساخته می‌شود

کشور، روز چهارشنبه، بیست‌وچهارم جدی، به گونه ویدیویی در برنامه گشایش کار این کمپلکس صحبت می‌کرد. او گفت که این پروژه می‌تواند زمینه را برای پروسس حاصلات زراعتی حوزه جنوب و صادرات آن به خارج از کشور فراهم کند و اقتصاد ملی را نیز تقویت بخشد. رییس جمهور افزود که یگانه راه پیش‌رفت افغانستان، تقویت زراعت است و باید تلاش شود تا با کار جمعی گام‌های اساسی برای پیش‌رفت کشور برداشته شود. به گفته آقای غنی، با آغاز فعالیت این کمپلکس، زمینه کار برای صدها هزار نفر فراهم و افزون بر آن، حاصلات زراعتی کشور نیز به شکل درست آن به بازار جهانی عرضه می‌شود.

این کمپلکس زراعتی در شهرک عینو مینه قندهار ساخته می‌شود و یک هزار و ۱۰۰ جریب زمین برای آن در نظر گرفته شده است. قرار است مرحله اول آن به ارزش ۳۰ میلیون دالر تکمیل شود و زمینه صادرات ۸۸ هزار متریک تن میوه و سبزیجات را با

روند ساخت یک کمپلکس زراعتی در قندهار آغاز شد و کار ساخت آن قرار است تا سه سال دیگر تکمیل شود. مسوولان محلی می‌گویند که این کمپلکس در مساحت یک هزار و ۱۰۰ جریب زمین در شهرک عینو مینه ساخته می‌شود و زمینه خوب پیش‌رفت اقتصادی را برای دهقانان حوزه جنوب فراهم می‌کند. بودجه ساخت این کمپلکس ۱۰۰ میلیون دالر است و در سه بخش ساخته می‌شود. مسوولان در وزارت زراعت می‌گویند که قرار است تولیدات زراعتی ولایت‌های قندهار، هلمند، زابل و ارزگان در این کمپلکس پروسس و سپس متناسب با معیار جهانی صادر شود. بدین ترتیب با آغاز فعالیت این کمپلکس، زمینه کار برای ۲۶ هزار کارگر و ۱۸۰ هزار دهقان فراهم می‌شود. کار ساخت کمپلکس زراعتی قندهار با حضور مسوولان آغاز شد. محمدشرف غنی، رییس جمهور



برای فروش حاصلات زراعتی‌شان شکایت داشتند. آنان معتقد اند که بی‌توجهی حکومت در امر ساخت فابریک و سردخانه، از چالش‌های مهم فراراه کار دهقانان است و سبب می‌شود که حاصلات پس از برداشت به دلیل کیفیت پایین به بازارهای جهانی نرود. باغ‌داران قندهاری سال گذشته شکایت داشتند که نبود فابریک جوس‌سازی در این ولایت، سبب آب شدن حاصلات انار این ولایت شده است؛ زیرا به گفته آنان، پاکستان تعرفه گمرکی را با گذشت هر سال افزایش می‌دهد و این کار سبب می‌شود که با توجه به صادر نشدن انار به خارج از کشور، بهای آن در داخل نیز کاهش یابد.

گفتنی است که قندهار حاصلات مناسب انار و انگور دارد، اما بنا بر دلایلی، تنها به پاکستان و هند صادر می‌شود. تاجران پاکستانی و هندی اما پس از پروسس این حاصلات، آن را زیر نام کشورهای خودشان به دیگر کشورها صادر می‌کنند. با این حال مسوولان معتقد اند که با ساخت این کمپلکس، حاصلات زراعتی ولایت‌های جنوبی به ویژه قندهار زیر نام افغانستان به سایر کشورها صادر خواهد شد.



اسغی علی احساس

درام تراژیک؛

مسیر دشوار آینده

شود.

توافق نامه‌های ژنو در شرایطی میان کابل و اسلام‌آباد امضا شد که جانب افغانستان روی برخی از مفاد آن، ملاحظه داشت و با گلایه به شوروی می‌گفت که شما نباید روی مسایل مربوط به افغانستان با پاکستان مذاکره کنید. به هر صورت، موافقت‌نامه‌های ژنو زیر نظر سازمان ملل، میان کابل و اسلام‌آباد به عنوان طرف‌های اصلی جنگ امضا شد. اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا به عنوان کشورهای تضمین‌کننده، این موافقت‌نامه‌ها را امضا کردند. سازمان ملل که نقش نظارتی داشت، دو دفتر (یکی در کابل و دیگری در اسلام‌آباد) باز کرد تا جریان تطبیق مفاد توافق‌نامه‌ها را نظارت کند. یک سال بعد از امضای توافق‌نامه، کابل در حالی که ۳۹۵ شکایت از تخطی‌های پاکستان به دفتر سازمان ملل ثبت کرده بود، نسبت به عدم تعهد و پای‌بندی اسلام‌آباد به موافقت‌نامه‌ها، اعتراض کرد. پاسخ سازمان ملل به این اعتراض، هیچ‌گاهی برای افغانستان قناعت‌بخش نبود. جنرال فنلندی به نام «هلمنن»، رییس هیأت مساعی جمیله سازمان ملل متحد در افغانستان و پاکستان که تیم نظامی و سیاسی سازمان ملل متحد را برای نظارت از اجرای موافقت‌نامه‌های ژنو بر عهده داشت، در پاسخ به اعتراض وزیر خارجه افغانستان گفته بود: «باید ادعان کنم که بسیار اتفاق می‌افتد که از ادامه این وضع احساس سردرگمی، اذیت و خجالت‌زده‌گی کنم؛ زیرا جانب افغانی تا حالا ۳۹۵ یادداشت رسمی از تخطی‌های پاکستان از موافقت‌نامه‌های ژنو به دفتر ملل متحد تقدیم کرده، ولی بنا بر دخالت و موضع‌گیری پاکستان، تیم سازمان ملل متحد که برای نظارت از اجرای موافقت‌نامه‌ها بین افغانستان و پاکستان موظف شده، نتوانسته است آن را مورد بررسی قرار بدهد.» (عبدالوکیل، ۱۳۹۶: ۶۷۳).

پس از سقوط دولت دموکراتیک افغانستان و روی کار آمدن مجاهدین در کابل، اسلام‌آباد که سرشار از احساس پیروزی بود، حتا طرح ایجاد کنفدراسیون اسلامی منسحل از افغانستان و پاکستان را مطرح ساخت. تعدادی از رهبران مجاهدین از جمله گلبدین حکمتیار، از این طرح حمایت کردند. اسلام‌آباد، تا قبل از سقوط دولت دموکراتیک، یک طرف منازعه افغانستان بود؛ اما پس از پیروزی مجاهدین، حاکمان پاکستان تصور می‌کردند که همه‌کاره افغانستان‌اند و باید آن‌چه آنان لازم می‌بینند و تصمیم می‌گیرند، در کابل عملی شود. ایستاده‌گی تعدادی از تنظیم‌ها در برابر پاکستان و شکست‌های پی‌درپی حزب اسلامی از سوی دولت

بریتانیایی‌ها در زمان حاکمیت‌شان بر هندوستان، همواره با یک دغدغه ذهنی درگیر بودند: تهدید از ناحیه سرحد و فراسوی آن. کرول کریستین فیبر در کتاب «نبرد تا آخرین نفس» که خالد خسرو آن را به فارسی ترجمه کرده، می‌نویسد که برای مهار این تهدید، بریتانیا بین سیاست تهاجمی و سیاست تمركز در داخل با روی‌کرد مواججه و کنترل غیرمستقیم، در نوسان بود. او در ادامه به پاکستان اشاره می‌کند و می‌گوید که ارتش پاکستان این بخشی از فرهنگ استراتژیک بریتانیا را اقتباس و حتا همان ابزارهای بریتانیا برای پی‌گیری و اجرای سیاست‌هایش را نیز اتخاذ کرده است. «ارتش پاکستان هم سیاست تهاجمی، مانند دخالت مستقیم در افغانستان و هم سیاست‌های مشابه سیاست تمركز در داخل با توجه به بهبود اوضاع داخلی پاکستان را پی‌گیری کرده است.» (کرول کریستین فیبر، ۱۳۹۶: ۱۶۴).

قبل از سال ۱۳۵۲، هرچند میان کابل و اسلام‌آباد رابطه نزدیک برقرار نبود، اما دو طرف به صورت برهنه در برابر هم‌دیگر موضع نمی‌گرفتند. با روی کار آمدن داوود خان، وضعیت تغییر کرد و افغانستان و پاکستان نسبت به هم‌دیگر نگاه خصمانه پیدا کردند. اولین بار بود که حاکمی در کابل، نسبت به سرزمین‌های آن سوی خط دیورند، با بی‌باکی تمام، ادعای ارضی داشت و از داعیه پشتونستان که بخشی از مناطق شمال و شمال‌غربی پاکستان را شامل می‌شد، با تمام توان حمایت می‌کرد. پس از پیروزی کودتای ۷ ثور حزب دموکراتیک خلق و شکل‌گیری دولت دموکراتیک در کابل، پاکستان از حضور اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان نگران بود. هم‌چنان، به دلیل نزدیکی دهلی به کابل، این نگرانی اسلام‌آباد دو برابر می‌شد. پاکستان با تمام توان و با استفاده از بنیادگرایی، مداخله نظامی در امور افغانستان را به صورت جدی آغاز کرد. در مقابل، کابل نیز از مخالفان سیاسی اسلام‌آباد حمایت می‌کرد و رهبران جدایی‌طلب بلوچ و پشتون پاکستانی را در افغانستان پناه داد.

پس از آن، اسلام‌آباد در جریان مذاکرات صلح ژنو، طرف اصلی جنگ و صلح افغانستان بود و روی میز مذاکره با تمام توان، خواست‌هایش را در برابر دولت دموکراتیک افغانستان و حامی آن (اتحاد جماهیر شوروی) مطرح کرد. حتا در مواردی، اسلام‌آباد با ابزارهای فشاری که در دست داشت، شوروی را مجبور می‌ساخت تا به جای دولت تحت حمایتش در کابل، تصمیم بگیرد و با پاکستان روی مسایل مربوط به افغانستان وارد گفت‌وگو

بریتانیایی‌ها در زمان حاکمیت‌شان بر هندوستان، همواره با یک دغدغه ذهنی درگیر بودند: تهدید از ناحیه سرحد و فراسوی آن. کرول کریستین فیبر در کتاب «نبرد تا آخرین نفس» که خالد خسرو آن را به فارسی ترجمه کرده، می‌نویسد که برای مهار این تهدید، بریتانیا بین سیاست تهاجمی و سیاست تمركز در داخل با روی‌کرد مواججه و کنترل غیرمستقیم، در نوسان بود. او در ادامه به پاکستان اشاره می‌کند و می‌گوید که ارتش پاکستان این بخشی از فرهنگ استراتژیک بریتانیا را اقتباس و حتا همان ابزارهای بریتانیا برای پی‌گیری و اجرای سیاست‌هایش را نیز اتخاذ کرده است.

برهان‌الدین ربانی، اسلام‌آباد را از تنظیم‌های تحت حمایتش ناامید کرد. گروه طالبان در چنین زمانی از مدرسه‌های دینی فعال در مناطق شمالی پاکستان سر برون آورد. این گروه از ظهور تا زمان سقوطش در سال ۱۳۸۰، تحت حمایت مستقیم و همه‌جانبه پاکستان قرار داشت.

پس از حضور ایتلاف جهانی تحت رهبری امریکا در افغانستان، پاکستان در روی‌کرد و سیاست مداخله‌جویانه‌اش در امور افغانستان، در دوراهی قرار گرفت. اسلام‌آباد یا باید هم‌چنان در کنار طالبان می‌ماند و حمایت امریکا و متحدان غربی‌اش را از دست می‌داد، یا در ایتلاف مبارزه با هراس‌افگنی شامل می‌شد و از انزوای بین‌المللی فرار می‌کرد. این انتخاب برای پاکستان دشوار نبود؛ این کشور در خفا رابطه شبکه‌ای و سازمان‌مندش را با طالبان و گروه‌های هم‌سو با آنان در افغانستان حفظ کرد و در سطح دیپلماتیک به انکار این رابطه پرداخت و از مبارزه علیه بنیادگرایی و تروریسم حمایت کرد. انکار پیوسته و همیشه‌گی پاکستان مبنی بر عدم همکاری با طالبان و دیگر گروه‌ها از جمله شبکه حقانی، به این باور در میان حامیان بین‌المللی افغانستان دامن زده که روی‌کرد و سیاست اسلام‌آباد نسبت به افغانستان تغییر کرده است. این باور در دو سال اخیر و به ویژه پس از آغاز گفت‌وگوهای بین‌الافغانی در قطر، هرازگاهی در سخنان و موضع‌گیری‌های مقامات امریکایی و اروپایی دیده می‌شود. اما آیا واقعاً چنین است؟

پاسخ این پرسش پیچیده و دشوار نیست. با بررسی اقدامات پاکستان در روند صلح افغانستان، نشانه‌های واضح به دست می‌آید که نشان می‌دهد نگاه پاکستان نسبت به افغانستان متحول نشده است. پاکستان از گذشته‌ها تاکنون این نگرانی را داشته است که دهلی

جناب رییس جمهور،

بیش از این مردم را دست کم نگیرید



حسین سیرت

رییس جمهور گفته است: «افغانستان کوتاه‌ترین نقطه وصل آسیا است.» و یا «تولید انرژی برق با توسعه کشور ارتباط مستقیم دارد.» در این هم هیچ شکی نداریم. این‌ها واقعیت‌های پذیرفته‌شده‌ای است که هیچ دعوی بر سر آن وجود ندارد. آن‌گونه که هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که مرغ تر را خروس می‌گویند. یا این‌که نم‌سبزو از پشم است و زیر ابروی بار ما چشم. اصلاً چه کسی گفته که زیر ابروی بار ما چشم نیست؟ این‌ها موضوعاتی است که همه بر سر آن توافق دارند و هیچ شک و تردیدی در این زمینه باقی نمانده است. درست است که ممکن شماری از مأموران دولتی، به این سخنان آقای رییس جمهور کف زده باشند؛ ولی واقعیت این است که چنین بیاناتی نه جدید است و نه هم راه‌گشا.

به برکت آزادی بیان، حالا مردم می‌دانند که در دنیا چه خبر است و کدام تصمیم در کجا گرفته می‌شود. ولی می‌بینیم که جناب رییس جمهور جملاتی را بیان می‌کند که جز این‌که ذهن آدم از تعجب باز بماند، چیزی برای گفتن ندارد. به گونه نمونه، چند روز پیش آقای غنی در یک سخنرانی زیر عنوان اعمار صلح، در دانشگاه کابل گفت: «دیدید که زیادتز از ۱۰۰ هزار عسکر بین‌المللی را من با وضاحت و افتخار از افغانستان کشیدم.» نمی‌دانم که به این حرف آقای رییس جمهور بخندیم و یا گریه کنیم. چون همه می‌دانند که خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان تصمیم کاخ سفید بود و این نیروها را رییس جمهور افغانستان خارج نکرد. هم‌چنین آقای غنی گفت که در کنفرانس ژنو ۱۲۰ کشور به ادامه کمک‌ها به افغانستان تعهد کردند. او گفت ببینید

که هنوز «دست‌شان دراز است». یعنی دست جهان به سوی افغانستان دراز است و گویا چون دنیا به جهان نیاز دارد، پس سالانه میلیاردها دالر کمک می‌کند. اما آیا واقعیت همین است؟ آیا همه نمی‌دانند که قضیه خلاف این است و این افغانستان است که دستش به سوی دنیا دراز است نه آن‌چه جناب رییس جمهور می‌گوید؟

جناب رییس جمهور!

از شما به عنوان رییس جمهور مملکت امید می‌رود که حداقل شعور مردم را به مسخره نگیرید. شما از سال ۲۰۱۴ تاکنون وعده‌های زیادی داده‌اید که نه تنها برآورده نشده است، بلکه ما خبرنگاران شرمنده از آنیم که سخنان تان را نشر کردیم و حالا نزد مردم پاسخی نداریم. جز این‌که بگوییم بخشید، وظیفه ما تنها رساندن پیام رییس جمهور است و ما در قبال عملی‌شدن آن مسوولیتی نداریم. مانند من، صدها خبرنگار دیگر پس از سال ۲۰۱۴ بارها آن‌چه را که شما وعده دادید، نشر نمودند و افتخار کردند که رییس جمهور چنین برنامه‌های منظم و مدیریت‌شده دارد. در سال ۲۰۱۵ به مردم وعده دادید که جاده ابریشم را «از هرات تا واخان» امتداد می‌دهید و به این ترتیب راه ابریشم را یک‌بار دیگر احیا می‌کنید. ما هم باور کردیم و چنین وعده‌ای را به نشر سپردیم. اکنون پس از شش سال، نه تنها از جاده ابریشم خبری نیست، بلکه شاهراه‌هایی که با پول گدایی آباد شده بود، دوباره ویران شده است. شما و حکومت تان حتا قادر به تأمین امنیت شاهراه‌های

در افغانستان پایگاه و از نفوذ بیش‌تر از اسلام‌آباد داشته باشد. اسلام‌آباد فکر می‌کند که نفوذ هند در افغانستان می‌تواند اوضاع مناطق سرحدی غرب و شمال پاکستان را اخلال کند. به همین دلیل بوده که اسلام‌آباد همیشه به حضور و نفوذ هند در افغانستان به عنوان یک تهدید نگریسته است. اکنون نیز چنین است. گفته می‌شود که در ماه‌های اخیر اسلام‌آباد در تماس‌های مکرر با رهبران سیاسی افغانستان گفته است که پاکستان از روند صلح افغانستان حمایت می‌کند، مشروط به این‌که در ساختار پساصلح، هند «برادر بزرگ» افغانستان نباشد. هم‌چنان استراتژی پاکستان در قبال افغانستان، همواره این بوده است که در کابل یک جریان بنیادگرایی پشتون‌محور روی کار آید. سفرهای پی‌هم اعضای دفتر سیاسی طالبان به اسلام‌آباد، حضور رهبران این گروه در پاکستان، فعالیت آموزشگاه‌های «شورشیان» در مناطق آن‌سوی دیورند و دعوت اسلام‌آباد از رهبران جریان‌های جهادی نظیر گلبدین حکمتیار برای سفر به پاکستان، نشانه‌های بارز عدم تحول نگاه آن کشور نسبت به افغانستان است.

مقامات پاکستان در چند ماه اخیر، در کنار اعضای دفتر سیاسی طالبان و رهبران جریان‌های جهادی و بنیادگرایی پشتون‌محور، از دیگر چهره‌های سیاسی - جهادی افغانستان نیز برای سفر به اسلام‌آباد دعوت کرده است. هدف تمامی این سفرها، گفت‌وگو و مشوره روی روند صلح افغانستان عنوان شده است. در آخرین مورد، محمدکریم خلیلی، رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان، در سفر دو روزه به پاکستان رفت و با مقامات آن کشور دیدار کرد. پیش از او، لطیف پدram، عبدالله و گلبدین حکمتیار به پاکستان رفته بودند. این در حالی است که گفته می‌شود در ادامه، حامد کرزی، عبدالرشید دوستم و تعدادی از چهره‌های سیاسی دیگر به دعوت رسمی اسلام‌آباد به پاکستان سفر خواهند کرد.

بنابراین، در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که در گذشته پاکستان یک طرف منازعه افغانستان بود؛ اما اکنون به نظر می‌رسد که اسلام‌آباد برای خودش نقش بیش‌تر از گذشته در نظر گرفته است. پاکستان هم خودش می‌بُرد و هم خودش می‌دوزد. این‌که پایان این درام تراژیک چیست، معلوم نیست؛ اما از درون تجربه‌های تلخ گذشته می‌توان گفت که مسیر آینده افغانستان دشوار است.

منبع‌ها

۱. کرول کریستین فیبر، نبرد تا آخرین نفس، شیوه جنگ ارتش پاکستان، ترجمه خالد خسرو، ۱۳۹۶، انسیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان.
۲. عبدالوکیل، از پادشاهی مطلقه الی سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان، ۱۳۹۶، انتشارات عازم.



نیمه‌ویران نیستید.

در همان سال ۲۰۱۵ گفتید که آب‌های افغانستان در چهار سال آینده «انسجام بنیادی» پیدا می‌کند. شما وعده دادید که صدها بند کوچک و بزرگ تا چهار سال آینده ساخته خواهد شد. حالا دانستیم که آن سخنان تان بیش‌تر خواب و خیال بوده است تا واقعیت. در سال ۲۰۱۶ گفتید: «از واردات می‌رویم به طرف خودکفایی و به طرف مرکز و به طرف مرکز ترانزیت‌شدن برق منطقه.» شما گفتید که قرار است ۱۵ هزار میگاوات برق از طریق افغانستان از آسیای مرکزی به آسیای جنوبی انتقال داده شود. ما هم این پیام تان را به مردم رساندیم که دیگر نگران بی‌برقی و حتا کمبود برق نباشید؛ زیرا این مشکل حل می‌شود و افغانستان نه تنها خود برق خواهد داشت، بلکه از عهده برق‌رسانی به منطقه نیز بر خواهد آمد. حالا وقتی ساکنان پایتخت مجبور می‌شوند تا صرفیه‌های برق را در روشنی ال‌کین حساب کنند، ما شرمنده می‌شویم که چرا چنین خبری را نشر کردیم. در سال ۲۰۱۹ گفتید که قرار است تا یک‌ونیم سال دیگر کابل به «تفرجگاه مردم کابل و منطقه» تبدیل شود. همه باور کردند و برای سیر و سیاحت در کابل سبز، پاک و آباد آماده‌گی گرفتند؛ اما حالا در سال ۲۰۲۱ کابل و باشنده‌گان آن در میان دود کشنده زغال، به سختی نفس می‌کشند. ما در برابر آن وعده شما به مردم چه بگوییم؟



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیجیتال (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سئو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900 www.bartartech.com

کوته سنگی، گولابی دواخانه، کابل افغانستان

آشپزخانه مادر



تعمیر غذاهاک با کیفیت با نازل ترین قیمت برای محافل رسمی و شخصی

آشپزخانه مادر یکی از مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است. آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب‌ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل‌ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارائه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۰۱۹۸۸۹۷



شفاخانه آینه صحت

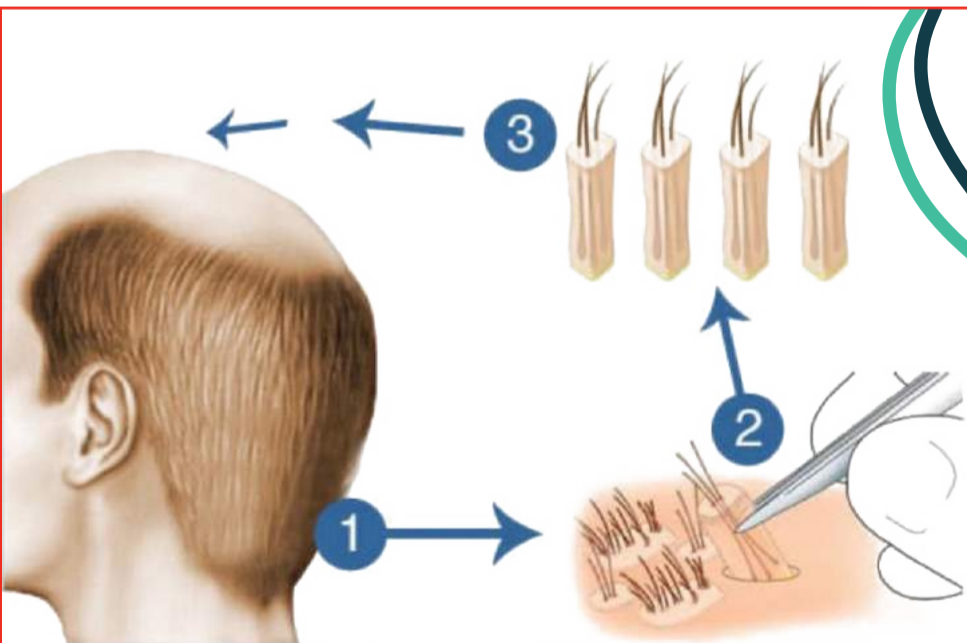
تخفیف ویژه افغانی ۲۸۰۰۰

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰



فروشگاه عسل تاج

صحت و نشاط



پروفایل فروشگاه: www.baba.af/taj

تماس: ۰۷۷۹۰۴۹۶۳۰ / ۰۷۴۴۳۸۱۳۷۰

آدرس: کابل، کارته ۳، پل سرخ، جوار دروازه رضایی سنتر

مردم افغانستان هرچند بی‌صبرانه منتظر ختم جنگ هستند، اما از هرگونه توافقی پشت پرده و موقتی که منجر به از دست‌رفتن دست‌آورد‌های اساسی‌شان شود، نگران‌اند. این دست‌آورها با خون هزاران شهروند این خاک به دست آمده است و به هیچ صورتی قابل معامله نیست. طالبان باید بپذیرند که به خاطر جنگ و خشونت به یک واقعیت بدل گشته‌اند؛ اما روایت آن‌ها هرگز نمی‌تواند از کلیت مردم افغانستان نمایندگی کند. آن‌چه که فعلاً مطرح است، پایان‌بخشیدن به جنگ جاری در کشور است. اما این جنگ قرار نیست به قیمت از دست‌رفتن همه دست‌آورها و ارزش‌ها باشد.

یکی از این ارزش‌ها که قطعاً مهم‌ترین موضوع مذاکرات نیز به حساب می‌آید، نظام سیاسی کشور است. مشروعیت نظام سیاسی کشور نباید به هیچ صورتی، قربانی مذاکرات صلح شود. درست است که حکومت‌داری در افغانستان دچار نواقص جدی بوده و انتقادهایی در این رابطه همواره وجود داشته است، اما مشکل در حکومت‌داری، مشکل در ساختار نظام نیست. ساختار دولت افغانستان، ساختار منظم و با صلابت است. قوای سه‌گانه کشور، از اقتدار و جایگاه برجسته برخوردار و از لحاظ اداری و ساختاری، مورد پذیرش عموم است. آن‌چه که به عنوان یک چالش بزرگ وجود داشته، سوء مدیریت و سوء استفاده از اقتدار و صلاحیت‌های این سه قوه توسط اشخاص بوده است. اما نظام چیزی غیر از شخص یا فرد است. گفت‌وگو بر سر نظام سیاسی آینده، نباید به معنای لغو ساختار، بلکه بحث باید بر سر ایجاد یک مکانیسم واضح برای مدیریت و رهبری این سه قوا باشد. در غیر آن، هرگونه بحث و گفت‌وگو بر سر تأسیس یک نظام سیاسی جدید، به معنای فروپاشی نظام فعلی است و این خواست ملت افغانستان نیست. فروپاشی نظام، بحران دیگری است که بازهم در آتش آن، مردم می‌سوزند.

بحث مهم دیگر، همه‌شمول‌بودن توافق صلح است. مردم افغانستان انتظار توافقی را دارند که همه طرف‌ها، گروه‌ها، اقلیت‌ها و اقشار مردم خود را در آئینه آن

ببینند. گروه طالبان هم در زمان حاکمیت‌شان و هم اکنون، به صورت واضح بازتاب‌دهنده تنوع و تفاوت‌های جامعه افغانستان نیست. در همین هیأت مذاکراتی گروه طالبان، نماینده‌ای از زنان و جوانان وجود ندارد. از لحاظ تباری، هیأت مذاکره‌کننده طالبان از همه طرف‌های افغانستان نمایندگی نمی‌کند و از لحاظ فکری نیز، همه اعضای این گروه بر یک روایت که از یک آدرس حکم می‌شود، اتفاق نظر دارند. طالبان در زمان حاکمیت‌شان، با گروه‌های مختلف مردم، برخوردهای چندگانه داشتند و حتا با پدیده‌های نوین، ضدیت نشان می‌دادند. اما افغانستان امروز، افغانستان کاملاً متفاوت از زمان حاکمیت آن‌ها است و طالبان قطعاً باید آماده پذیرش این تفاوت‌ها باشند و هیأت مذاکره‌کننده افغانستان مکلف به حفظ این اصول مهم کشوری است.

بحث سوم، تبدیل‌نمودن رقابت مسلحانه، به رقابت سیاسی است. رقابت مسلحانه افراد که اغلب بر سر تقسیم قدرت بوده، همیشه از مردم قربانی گرفته است. نه مردم قصرنشین و مدعیان قدرت، بلکه از مردمی که روی جاده‌ها دست‌فروشی می‌کنند و حیات‌شان به کار روزمره‌شان وابسته است. در طول بیست سال گذشته، تمامی قربانیان جنگ افراد ملکی و بی‌گناه بوده که هیچ تقصیری نداشته‌اند. از سویی هم، قوای امنیتی افغانستان و حتا اعضای گروه طالبان که در میدان‌های جنگ کشته شدند، همه از مردم عادی بوده‌اند؛ از خانواده‌هایی نادر و فقیری که برای پیداکردن یک لقمه نان، فرزندان‌شان را به میدان‌های جنگ فرستادند. این جنگ اگر بر سر حقوق همین مردم است، باید آتش‌بس در اولویت قرار گیرد. گروه طالبان هم‌چنین باید به قوای امنیتی و شهدای نیروهای امنیتی افغانستان احترام بگذار؛ زیرا همه نیروهای امنیتی افغانستان از همین خانواده‌هایی هستند که آن‌ها ادعای دفاع از حقوق‌شان را دارند. بیش از سه صد هزار قوای امنیتی (که نماینده‌گی از یک نفوس کلان افغانستان می‌کند) را «مزدور» خواندن، منصفانه نیست. اصلاحات در قوای امنیتی و

دفاعی قابل پذیرش است، اما نادیده‌گرفتن قربانی‌های آنان هرگز، بنابراین، انعطاف و احترام متقابل، جزئی از اصل‌های مهم در مذاکرات صلح است که باید هر دو طرف به آن آماده‌گی نشان دهند و به آتش‌بس فوری به عنوان تنها گزینه نگاه کنند.

انتخابات و مردم‌سالاری، اصل اساسی و مهم دیگر در مذاکرات صلح است. از هیچ راه دیگری جز انتخابات نمی‌توان مردم‌سالاری را تمثیل کرد. تنها انتخابات است که می‌تواند نقش مردم را در حکومت‌داری و نظام تعریف کند. در این شکی نیست که انتخابات در چندین سال گذشته به خاطر عدم شفافیت نزد افکار عمومی بی‌اعتبار شده است؛ اما هیچ راه بدیلی وجود ندارد. مردم باید خودشان زعیم و نماینده‌گان‌شان را انتخاب کنند و این تنها از طریق پروسه‌های ملی مثل انتخابات ممکن است. طالبان باید انتخابات را به عنوان تنها گزینه‌ای برای تمثیل اراده مردم بپذیرند.

حقوق مسلم زنان و آزادی مطبوعات، دو ارزش بسیار عمده‌ای است که مردم افغانستان با خون دل آن را به دست آورده‌اند و هرگز هم قابل معامله نیست. زنان نمی‌توانند به زمان حاکمیت این گروه برگردند و از تعلیم و تحصیل محروم شوند. حق انتخاب، حق کار و آزادی‌های فردی زنان و مردان نباید به هیچ صورتی از آن‌ها گرفته شود. این‌ها در واقع خطوط قرمز است. خشونت و سنگ‌سار زنان دیگر به هیچ قیمتی پذیرفتنی نیست و زنان امروز، زنان تحصیل کرده و با دانشی‌اند که می‌خواهند خودشان تصمیم‌گیرنده باشند. تعدد مطبوعات و رسانه‌ها و آزادی بیان نیز از اصول اساسی است که با خون صدها جوان این کشور به دست آمده است. طالبان نباید به دنبال تحمیل خواست‌ها و افکار شخصی‌شان بر رسانه‌ها باشند؛ زیرا چنین طرحی ممکن نیست و به چالش‌های سد راه مذاکرات صلح خواهد افزود.

پرداختن به این موارد و ده‌ها مورد دیگر، جزئی از نگرانی‌های مردم کشور است و منشأ این نگرانی‌ها اساساً ادامه قتل و کشتار غیرنظامیان توسط طالبان است. طالبان بی‌وقفه به حملات‌شان ادامه می‌دهند و

مذاکرات صلح و ارزش‌هایی که باید مصون بماند

دانشگاه البیرونی را از محرومیت

و مظلومیت نجات دهید

♦ **دکتر عبدالقهار سروری،** رییس دانشگاه البیرونی



متأسفانه در دو دهه گذشته،

این دانشگاه که یک نهاد مهم و

بزرگ ملی است، به گونه اسفبار

محروم و مظلوم واقع شده است.

در شرایط کنونی، اوضاع عمومی

نهاده‌ها و موسسات تحصیلات عالی

که در ده سال اخیر ایجاد و فعال

شده است، از لحاظ زیرساخت‌ها،

ساختمان و تجهیزات به مراتب از

دانشگاه البیرونی که مسما به اسم

یکی از مشاهیر و افتخارات بزرگ

جهان بشریت (ابوریحان البیرونی)

است، بهتر است.

پشتیبانی می‌شدند و استفاده‌جویان و مسوولان وقت، با بی‌اعتنایی، جیب یک شخص را بر جایگاه ارزشمند البیرونی ترجیح داده بودند. خوشبختانه، با روی کارآمدن رهبری جدید دانشگاه البیرونی، هم‌کاری سرپرست قبلی وزارت تحصیلات عالی و حمایت جدی جناب عالی، سال گذشته قرارداد ظالمانه یادشده فسخ و مشکلات حقوقی این دانشگاه به گونه اساسی حل شد.

البته، به خاطر موجودیت قرارداد ظالمانه و مشکل حقوقی یادشده، سطح ظرفیت و تعهد پایین مسوولان قبلی این دانشگاه و عدم تعهد و توجه مسوولان وقت وزارت تحصیلات عالی و حکومت، برای بیش‌تر از ده سال، هیچ پروژه زیربنایی و اساسی از سوی وزارت تحصیلات عالی در دانشگاه البیرونی تطبیق نشد

از شروع مذاکرات صلح تاکنون، هیچ تعهدی به کاهش خشونت نداشته‌اند. افکار عمومی به دنبال یافتن پاسخ به این سوال است که طالبان چگونه آماده‌اند صلح کنند، در حالی که چرخ کشتار آن‌ها تندتر از هر زمان دیگر می‌چرخد و اراده‌ای به ختم جنگ، در رهبری این گروه دیده نمی‌شود. جدا از این‌که کدام طرف در جنگ جاری غالب است، نگرانی مردم از تعهدی است که در ارتباط به صلح از دو طرف انتظار می‌رود. در صورتی که طالبان اکنون بدون هیچ دلیل موجهی، به جنگ و خشونت ادامه می‌دهند، چگونه قرار است در مسایل کلان کشوری به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز تن دهند؟

اما این تنها گزینه ممکن است. هرگونه تلاشی برای از بین‌بردن و یا نادیده‌گرفتن حقوق و ارزش‌های مردم، «راهی به ترکستان» است و گفت‌وگوهای صلح را با شکست مواجه می‌سازد. مردم از ادامه خشونت‌هایی که طالبان در طول بیش از دو دهه مرتکب شده‌اند، بیزار اند. نباید این برداشت نادرست به طالبان رخ داده باشد که مردم به خاطر نارضایتی از حکومت، از روی کرد آن‌ها خوشحال‌اند. چنین چیزی قطعاً واقعیت ندارد. ادامه قتل و کشتار در افغانستان از هیچ زاویه‌ای قابل توجیه و دفاع نیست. طالبان بدهکار مردم‌اند، نه مردم بدهکار طالبان. همین‌که طالبان از روی کرد پنج ساله حکومت‌شان ابراز ندامت و پیشیمانی دارند، این خود دلالت بر ناحق‌بودن روایت آن‌ها دارد. بنابراین، این گروه به خاطر حسن نیتی که مردم از خویش به نمایش گذاشته‌اند، بهتر است به خواست عموم تن دهد و از تأکید بر روایت تندروانه و تحمیل خواست‌های یک‌جانبه اجتناب کند. این تنها راه ممکن است. از ادامه جنگ، طالبان نمی‌توانند سود ببرند، حکومت‌داری در افغانستان نیز کماکان با ضعف‌ها و کاستی‌ها ادامه می‌یابد و این فقط مردم بی‌گناه‌اند که هرروز تلف خواهند شد. اما این اطمینان وجود دارد که مردم حتا اگر هر روز کشته شوند و جنگ شدت یابد، بازهم ارزش‌ها و بایده‌های خویش را حفظ می‌کنند.

دانشگاه البیرونی را از محرومیت

و مظلومیت نجات دهید

و هم‌کاری نهادهای مسوول، فعالیت‌های مضر و ویران‌گر شرکت‌های یادشده متوقف شده است. در یک‌ونیم سال اخیر، با تلاش‌های پی‌گیر رهبری جدید این دانشگاه، حمایت و هم‌کاری‌های سرپرست قبلی وزارت تحصیلات عالی و در بعضی موارد والی ولایت کاپیسا و هم‌کاری‌های تعدادی از نماینده‌گان مردم و حمایت‌های جدی جناب شما، یک سلسله کارها در این دانشگاه انجام شده است که می‌توان از حل مشکلات حقوقی دانشگاه و رهایی آن از گرو استفاده‌جویان، معرفی و تقرر ده تن از کادرهای باظرفیت دارای تحصیلات عالی معیاری، متوقف‌شدن فعالیت‌های شرکت ریگریشن و دستگاه پروسس قیر که به گونه غیرقانونی فعالیت داشتند، اعمار خواب‌گاه پسرانه و مسجد جامع توسط واحد عملیاتی ریاست جمهوری که در حال تکمیل شدن است و تا حدی کارش به کندی پیش می‌رود و تطبیق یک تعداد پروژه‌های کوچک و متوسط دیگر، نام برد. کارهای انجام‌شده با آن‌که مهم است، در مقایسه با حد محرومیت و مشکلات دانشگاه البیرونی خیلی اندک است و هنوز مشکلات اساسی این دانشگاه چون نبود دیوار احاطه، نبود تعمیر خواب‌گاه دخترانه، نبود تعمیرهای تدریسی برای پنج دانشکده، نبود تعمیر کتابخانه و ادیتوریم و... حل نشده است.

هم‌چنان، با آن‌که با ازیاد تهدیدات امنیتی و کاهش مصونیت محیطی، اعمار دیوار احاطه به گونه فوری یکی از نیازهای اساسی دانشگاه البیرونی است، وزارت مالیه هنوز برای اعمار این دیوار که در حدود ۴۵ میلیون افغانی هزینه نیاز دارد، بودجه در نظر نگرفته است.

بنابراین، به حیث یک چهره اکادمیک، از جناب شما توقع داریم که به مراجع ذی‌ربط هدایت دهید تا کمپلکس دانشگاه البیرونی را با تمام پروژه‌های جدول‌بندی‌شده آن دوباره شامل سند بودجه سال ۱۴۰۰ کنند و در قبال اعمار دیوار احاطه دانشگاه و تعمیر خواب‌گاه دخترانه که نیاز جدی است، اقدام کنند.

بدون شک، تداوم شرایط اسفبار کنونی دانشگاه البیرونی و باقی‌ماندن این نهاد مهم ملی در محرومیت و مظلومیت، برای همه مایه شرم و تأسف خواهد بود.

ادعاها در مورد خلاف ورزی و اخادی در توزیع نمره‌های شهرک آموزگاران اشکاشم



این شهرک براساس حکم رییس جمهور توزیع می‌شود. هرچند منابع می‌گویند که در حکم رییس جمهور بر توزیع ۳۰۴ نمره تاکید شده، اما در حال حاضر ۳۳۸ نمره زمین توزیع شده و قرار است میزان نمره‌های توزیع شده به عدد ۴۰۰ برسد. منابع مردمی در ولسوالی اشکاشم بدخشان اما از روند توزیع نمره‌های شهرک آموزگاران ناراضی‌اند. به گفته آنان، در توزیع نمره‌ها، خلاف حکم رییس جمهور عمل شده است و افزون بر این، آموزگاران به پرداخت پول مجبور شده‌اند. برخی از منابع در معارف اشکاشم که به دلیل حساسیت موضوع نمی‌خواهند از آنان نام برده شود، می‌گویند که در جریان توزیع نمره‌ها از آموزگاران برای خنثاندازی پول جمع‌آوری شده است. به گفته آنان، از آموزگاران مرکز اشکاشم و لیسه خوش‌پاک فی نفر ۳۰۰ افغانی و از آموزگاران روستای غارن ۵۰۰ افغانی جمع‌آوری شده است.

یک تن از آموزگاران لیسه بازگیر به شرط فاش نشدن نامش گفت که در توزیع نمره‌های شهرک آموزگاران مطابق طرزالعمل وزارت شهرسازی و ریاست معارف عمل نشده است و در این جریان از آموزگاران قراردادی ۱۰۰ افغانی و از آموزگاران رسمی ۳۰۰ افغانی جمع‌آوری شده است. دولت‌محمد فرزند، فعال مدنی در بدخشان، نیز تایید می‌کند که روند توزیع نمره‌ها در شهرک آموزگاران اشکاشم متناسب به طرزالمعمل وزارت معارف نبوده است. او افزود که نمرات در

منابع در اشکاشم بدخشان می‌گویند که مسوولان برخلاف حکم ریاست جمهوری، نمره‌ها را در شهرک آموزگاران این ولسوالی توزیع کرده‌اند. براساس معلومات، مجموع پرسنل معارف ولسوالی اشکاشم ۲۹۱ نفر است و متناسب به حکم رییس جمهور باید ۳۰۴ نمره توزیع می‌شد، اما تا حال نزدیک به ۳۴۰ نمره در این شهرک توزیع شده است. آموزگاران می‌گویند که در جریان توزیع این نمره‌ها، از آنان بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ افغانی زیر نام پول «پسپه خنثاندازی و رفت‌وآمد هیأت‌ها» جمع‌آوری شده است. مسوولان در امریت معارف اشکاشم در پاسخ به این ادعاها تصریح می‌کنند که از هر معلم ۱۰۰ و از برخی نیز ۲۰۰ افغانی جمع‌آوری کرده و توسط آن ۳۰۰ سیر چونه و سیخ گول برای خنثاندازی نمره‌ها خریداری شده است. هرچند برخی از مسوولان دست‌بردها هنگام توزیع نمره‌های زمین این شهرک را رد می‌کنند، اما برخی دیگر دلیل توزیع زمین اضافی را تلاش غاصبان برای غصب این شهرک خوانده‌اند. مقام‌های محلی بدخشان تصریح می‌کنند که مصارف هیأت‌ها به محل، پرداخت شده است و هیچ فردی نمی‌تواند به این دلیل از آموزگاران پول دریافت کند. این در حالی است که به گفته منابع، قرار است به زودی بیش از ۵۰ نمره سفید دیگر نیز در این شهرک توزیع شود.

روند توزیع نمره رهایی در شهرک آموزگاران ولسوالی اشکاشم در اوایل سنبله سال روان آغاز شد. نمرات در

شهرک آموزگاران اشکاشم

شده در این شهرک باید ۲۰ در ۲۰ متر، ۱۲ در ۱۷ متر، ۱۵ در ۱۸ متر و ۱۸ در ۳۰ متر می‌بود. آقای فرزند اما تصریح کرد که در این میان برای آموزگاران بالمقطع قراردادی زمین در نظر گرفته شده، اما آموزگاران که نزدیک به یک دهه آموزش داده‌اند، به آن‌ها زمین توزیع نشده است. او هم‌چنان افزود که برخی از دریافت‌کننده‌گان نمرات با وجود تنها یک سال کار در بخش معارف، در این روند شامل شده‌اند. به گفته دولت‌محمد فرزند، مالکیت اصلی جایداد را قبلاً و حدود آن تعیین می‌کند، اما به گفته وی، در برخی از موارد نمره فراتر از حدود توزیع شده است.

جوهر بیک، رییس شورای ولسوالی اشکاشم، افزود که در این جریان به آموزگاران متقاعد، آموزگاران قراردادی و آموزگاران که در جریان وظیفه وفات کرده‌اند، در این شهرک نمره توزیع شده است. او هم‌چنان افزود که برخی از افراد از وزارت معارف امر آورده بودند و آنان نیز از این نمره‌ها مستفید شده‌اند. به گفته آقای جوهر بیک، تاکنون برای ۳۳۸ نفر در این شهرک نمره توزیع شده است. برخی از منابع مردمی در اشکاشم نیز تایید می‌کنند که در جریان توزیع زمین، به برخی از اعضای هیأت‌های نظارت‌کننده نیز نمره توزیع شده است. یک عضو ارگان‌های کشفی نیز تصریح می‌کند که در جمع نمره‌های این شهرک، برخی از آن‌ها سفید است که خنثاندازی شده و قرار است با توزیع آن‌ها، شمار نمرات به ۴۰۰ برسد.

هرچند نامدارخان خالد، ولسوالی اشکاشم و رییس نظارت از توزیع زمین در شهرک آموزگاران است، اما وی از ارایه معلومات خودداری می‌کند و می‌گوید که از این جریان بی‌خبر است. با این حال عبدالخیر زبیر، آمر معارف ولسوالی اشکاشم، می‌گوید که تاکنون ۳۵۰ نمره برای آموزگاران توزیع شده است. او افزود که این نمرات به دلیل این‌که غاصبان قصد تصرف ساحه را داشتند، اضافی توزیع شده است و مطابق به طرزالمعمل وزارت شهرسازی و اراضی، آموزگاران قراردادی و ملازمان نیز در این روند زمین دریافت کرده‌اند. آقای زبیر افزود که یک تیم شش نفری از مرکز به ولسوالی اشکاشم آمده و ۴۵ روز مصروف کار بود. او گفت که در این جریان از پول جمع‌آوری شده آموزگاران ۳۰۰ سیر چونه و سیخ گول خریداری و سپس در خنثاندازی شهرک آموزگاران مصرف شده است. او افزود که در این جریان شماری از آموزگاران ۱۰۰ افغانی و شماری

دیگر ۲۰۰ افغانی پرداخت کرده‌اند. به گفته آقای زبیر، هیأتی که از مرکز به محل آمده بود، از جریان این موارد اطلاع دارد.

نادر نادری، معاون ریاست معارف بدخشان، نیز تصریح می‌کند که نه تنها در این ولایت، بلکه گاه در سراسر کشور فراقانونی عمل می‌شود. او اما گفت که این موارد در شهرک آموزگاران اندک بوده که با پادرمیانی مردم محل، حل شده است. این مقام معارف بدخشان در ادامه افزود که هنگام اعزام هیأت برای توزیع نمره‌های شهرک آموزگاران در اشکاشم، همه مصارف این هیأت در نظر گرفته شده است و هیچ فردی حق ندارد از آموزگاران پول جمع‌آوری کند؛ زیرا به گفته او، می‌توان با یک بوجی چونه به قیمت ۵۰۰ افغانی، همه نمره‌های شهرک آموزگاران را خنثاندازی کرد.

آقای نادری در ادامه گفت که تا حال هیچ‌گونه شکایتی از آموزگاران ولسوالی اشکاشم به ریاست معارف نرسیده است و اگر این شکایت‌ها به آنان برسد، قضیه را دنبال می‌کنند. با این‌همه، عبدالسمیع ابدیاری، رییس معارف ولایت بدخشان، هرگونه دست‌برد در توزیع زمین شهرک آموزگاران اشکاشم را رد می‌کند و می‌گوید که توزیع نمره‌های رهایی در این شهرک مطابق طرزالمعمل وزارت شهرسازی و اراضی و حکم رییس جمهور غنی صورت گرفته است. او افزود که برخی از باشندگان اشکاشم خواستار توزیع نشدن نمره‌های این شهرک بوده و به همین دلیل نیز دست به توطیه زده‌اند. آقای ابدیاری اما از آمار دقیق نمره‌های توزیع شده در شهرک آموزگاران ابراز بی‌خبری می‌کند.

ادعاهای توزیع زمین اضافی و اخادی در توزیع نمره‌های زمین شهرک آموزگاران اشکاشم در حالی مطرح می‌شود که مسوولان روی یک آمار دقیق اتفاق ندارند. منابع می‌گویند که شمار نمره‌ها در حکم ۳۰۴ نمره آمده است. در جریان آغاز روند توزیع این نمره‌ها اما آمار دقیق آن ۳۴۰ نمره ذکر شده است، در حالی که به گفته آمر معارف، تاکنون ۲۵۰ نمره در این شهرک توزیع شده است. پیش‌تر منابع کشفی در بدخشان تصریح کردند که برخی دیگر از نمره‌ها برای توزیع آماده است و با توزیع آن، شمار نمره‌ها به ۴۰۰ می‌رسد. گفتنی است که شهرک آموزگاران اشکاشم در پنج کیلومتری این ولسوالی و ۱۵۰ کیلومتری مرکزی شهر فیض‌آباد موقیعت دارد و در نوار مرزی با تاجیکستان قرار گرفته است.

پرویز کامروز

روایتی از دوسرباز زن؛ مادر و دختر هم‌رزم در ارتش



محمد حسین یک‌خواه

در روزهایی که زنان در افغانستان نگران آینده‌های مبهم هستند و ترس محدودیت نقش‌آفرینی آن‌ها در جامعه وجود دارد، حضور یک مادر و دخترش در صف نیروهای ارتش، سبب دل‌گرمی بسیاری از زنان شده است.

لیلا، حدود ۴ سال پیش به ارتش ملی کشور پیوست و چهار ماه می‌شود که با تشویق او، دخترش آمنه نیز لباس نظامی بر تن کرده و با نیروهای ارتش در غرب کشور یک‌جا شده است. حضور این مادر و دختر در کنار هم، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. لیلا، پنج دختر دارد و می‌خواهد افزون بر آمنه، چهار دختر دیگرش نیز با رسیدن به سن قانونی، وارد ارتش شوند و برای مردم افغانستان خدمت کنند. از دید او، حضور در صف نیروهای ارتش ملی، «افتخار بزرگی» است.

پیوستن به نیروهای ارتش و حضور در میدان‌های نبرد در کشور جنگ‌زده‌ای مانند افغانستان، کاری نفس‌گیر و دشوار است. این دشواری، شاید برای زنان بیش‌تر از مردان باشد، اما زنانی هم هستند که از سال‌ها به این‌سو در نهادهای نظامی حضور دارند و برای امنیت مردم تلاش می‌کنند.

حضور یک مادر و دخترش در صف نیروهای ارتش، بازتاب گسترده‌ای داشته و مورد توجه مردم قرار گرفته است. لیلا، از سربازان قول اردوی ۲۰۷ ظفر در هرات، حدود ۴ سال پیش، لباس رزم بر تن کرد و به ارتش ملی پیوست.

آن زمان، دخترش آمنه، کودکی ۱۰ ساله و در مکتب سرگرم فراگیری دانش بود. با تمام دشواری‌هایی که اجرای وظیفه در نهادهای امنیتی دارد، شوق و علاقه لیلا به مسلک نظامی سبب شد که دخترانش را هم برای پیوستن به نیروهای امنیتی تشویق کند. پس از گذشت ۴ سال از حضور لیلا در ارتش، دخترش آمنه، که آرام‌آرام قد کشیده و بزرگ شده بود، خواست سرباز ارتش شود. او ابتدا آموزش‌های نظامی را در مرکز آموزشی ارتش در هرات فرا گرفت و حدود چهار ماه قبل، وارد ارتش شد. لیلا و دخترش آمنه، حالا کنار هم به عنوان سربازان

پوشیدن لباس نظامی و حضور در نهادهای امنیتی محروم مانده‌اند.

همین چند ماه پیش، در مرکز آموزشی نیروهای پولیس ملی در هرات، با شماری از سربازان ملاقات کردم که برای پیوستن به پولیس ملی و حضور در مرکز آموزشی پولیس، راه بسیار دشوارگذری را طی کرده بودند.

یکی از زنان برایم روایت کرد که سال‌ها برای رسیدن به خواسته‌اش که حضور در پولیس بود، مبارزه کرد و برخی خویشاوندانش اجازه نمی‌دادند او وارد پولیس شود و با فشار بر خانواده و برادرانش، هشدار می‌دادند که نباید اجازه دهند خواهرشان نظامی شود.

قصه بیش‌تر دخترانی که با عبور از موانع گوناگون، به نهادهای نظامی و نیروهای امنیتی کشور پیوسته‌اند، تقریباً همین‌گونه است؛ اما خانواده‌هایی هم هستند که دختران خود را برای پیوستن به نیروهای امنیتی تشویق و پشتیبانی می‌کنند.

خانواده آمنه، یکی از همین خانواده‌ها است. لیلا،

مادر آمنه، پنج دختر دارد و پس از پیوستن آمنه به ارتش ملی در هرات، حالا او آرزو دارد که چهار دختر دیگرش نیز با رسیدن به سن قانونی، به نیروهای امنیتی بپیوندند.

لیلا می‌گوید: «اجرای وظیفه به عنوان سرباز ارتش ملی افتخار بزرگی برای خانواده‌ام است.» او دخترانش را هم تشویق می‌کند که مانند مادر و خواهرشان، پس از پایان درس‌های مکتب، وارد ارتش شوند و برای مردم کشور خدمت کنند.

آمنه، دختر لیلا، که حالا با حضورش در ارتش ملی، به الگویی برای سایر دختران جوان بدل شده است، از دختران دیگر می‌خواهد با شکستن سد مشکلاتی که مقابل‌شان وجود دارد، با نیروهای امنیتی یک‌جا شوند و برای کشور و خانواده‌های‌شان خدمت کنند.

زهرآگل پوپل، از افسران زن ارتش، که چندی پیش در مسابقات نشانه‌زنی در کشور هند برای افغانستان افتخارآفرینی کرد، پس از پیوستن به ارتش، به خاطر تشویق دختران جوان برای حضور در ارتش، با لباس نظامی به مکتب‌های دخترانه می‌رفت و سخن‌رانی می‌کرد. او که در برخی ولایت‌های نامن افغانستان از جمله فراه وظیفه اجرا کرده، باور دارد که دوره سیاه طالبان و شلاق خوردن بر فرق زنان نباید تکرار شود و زنانی که در صف نیروهای امنیتی حضور دارند، اجازه نمی‌دهند سیاهی دوران طالبانی باری دیگر فضای کشور را فرا گیرد.

پیوستن لیلا و دخترش آمنه به نیروهای ارتش در هرات و حضور آنان در کنار هم، روزنه‌ای امید برای زنانی شده که این روزها در گرم‌گرم بحث گفت‌وگوهای صلح در کشور، نگران آن هستند که در فردای صلح، نقش، حضور و مشارکت زنان در جامعه رنگ ببازد.



خشک‌سالی؛

عامل گسترش و تشدید خشونت



به گفته الیوت هریس، اقتصاددان و دستیار سرمنشی سازمان ملل برای توسعه اقتصادی، اثرات تغییرات اقلیمی در حال تشدید و گسترده‌تر شدن است. تناوب و شدت وقایع حاد آب و هوایی در حال افزایش است. سیل، طوفان‌های ساحلی، خشک‌سالی و امواج هوای گرم، به زیرساخت‌های حیاتی آسیب می‌رساند و به آوارگی افراد در مقیاس وسیع دامن می‌زند. هزینه‌های انسانی و اقتصادی چنین فجایی، بر دوش کشورهای با درآمد پایین، سنگینی می‌کند.



خشک‌سالی به نبود یا اندک‌بودن باران در یک دوره طولانی گفته می‌شود که باعث عدم توازن در میزان آب و در نتیجه آن کمبود آب، نابودی گیاهان، کم‌شدن شدت جریان آب، کاهش عمق آب‌های سطحی و خاک مرطوب می‌گردد.^۱ هواشناسان، خشک‌سالی را بارش کم‌تر از حد معمول که منجر به تغییر الگوی آب و هوایی می‌شود، تعریف کرده‌اند. بنابراین، خشک‌سالی از نظر هواشناسی اساساً به حالتی از خشکی ناشی از کمبود بارنده‌گی اطلاق می‌شود. خشک‌سالی دارای خصوصیتی است که آن را از سایر بلاهای طبیعی مستثنا می‌کند، این ویژه‌گی‌ها عبارت است از:

۱- خشک‌سالی به عنوان پدیده خزنده شناخته شده است؛ زیرا اغلب تأثیر آن در یک دوره زمانی مشخص و به کندی ظاهر می‌شود. به همین دلیل، تعیین زمان شروع و خاتمه آن مشکل و در نتیجه برنامه‌ریزی جهت کاهش خسارت‌های ناشی از آن نیز پیچیده است.

۲- عدم وجود یک تعریف کلی و جامع از خشک‌سالی با در نظر گرفتن مدت و گستره عمل آن، این پدیده را از سایر بلاهای طبیعی متمایز کرده است.

۳- خسارت‌های ناشی از خشک‌سالی، غیرساختاری است و وسعت مناطق آسیب‌دیده در اثر آن در مقایسه با سایر بلاهای طبیعی بیش‌تر است. هم‌چنین اثرات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی آن مدت‌ها پس از پایان خشک‌سالی باقی خواهد ماند.^۲

به گفته الیوت هریس، اقتصاددان و دستیار سرمنشی سازمان ملل برای توسعه اقتصادی، اثرات تغییرات اقلیمی در حال تشدید و گسترده‌تر شدن است. تناوب و شدت وقایع حاد آب و هوایی در حال افزایش است. سیل، طوفان‌های ساحلی، خشک‌سالی و امواج هوای گرم، به زیرساخت‌های حیاتی آسیب می‌رساند و به آوارگی افراد در مقیاس وسیع دامن می‌زند. هزینه‌های انسانی و اقتصادی چنین فجایی، بر دوش کشورهای با درآمد پایین، سنگینی می‌کند.^۳

هم‌چنین در تازه‌ترین گزارش سازمان امدادی غیردولتی «نان برای همه» که در بیش‌تر از ۹۰ کشور جهان فعالیت‌های بشردوستانه دارد، با هشدار نسبت به پیامدهای فاجعه‌بار بحران‌های اقلیمی آمده است:

«هرچه امروز به مسأله تغییرات آب و هوایی بی‌اعتنا باشیم، هزینه‌های جبرانی در آینده بیش‌تر خواهد شد». در این گزارش به نقل از خانم فولکروگ وایتزل گفته شده است که این مردم کشورهای فقیر هستند که بیش‌ترین لطمه را از تغییرات آب و هوایی می‌بینند: «چه هنگام وقوع فجایع طبیعی و چه هنگام مقابله با عوارض اقتصادی ناشی از خشک‌سالی و دربدری».

سازمان «نان برای همه» یادآوری کرده است که بین تغییرات اقلیمی و افزایش شمار گرسنه‌گان، ارتباط مستقیمی وجود دارد. در بیان این سازمان آمده است: «تغییرات شدیدی مثل سیل، طوفان و خشک‌سالی به طور فزاینده‌ای، معیشت میلیون‌ها نفر را به خطر می‌اندازد».

خشک‌سالی و کوتاه‌شدن تناوب زمانی آن از دوره‌های ۲۵ ساله به دوره‌های ۵ ساله و کم‌تر از آن، یکی از پیامدهای تغییر اقلیم در کشور ما است. ناتوانی در سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌های آبی سبب شده است تا خشک‌سالی اقلیمی و خشک‌سالی اقتصادی و اجتماعی با هم همراه شود و مصیبت‌های بیش‌تری را با گذشت هر سال بر زنده‌گی و اقتصاد مردم ما تحمیل کند.

انواع خشک‌سالی و میزان آسیب‌پذیری کشورها در برابر آن

خشک‌سالی‌های درازمدت، مراحل را طی می‌کند که از خشک‌سالی هواشناختی شروع و به خشک‌سالی روان‌شناختی که پایین‌آمدن آستانه تحمل اجتماعی یکی از مظاهر آن است، ختم می‌شود.

به گفته ناصر کرمی، اقلیم‌شناس، خشک‌سالی هواشناختی در نتیجه کاهش بارش نسبت به متوسط معمول به وجود می‌آید. دوام این نوع خشک‌سالی به خشک‌سالی هیدرولوژیک (کاهش موثر منابع آب جاری و زیرزمینی) منجر می‌شود. خشک‌سالی هیدرولوژیک در درازمدت زمینه‌ساز خشک‌سالی

می‌شد. ۴ سال قبل از شروع جنگ (جنگ سوریه در سال ۲۰۱۱ شروع شد) خشک‌سالی پدیدار شد که ما قبلاً نظیر آن را ندیده بودیم؛ مزارع و باغات ما نابود شد و امکان کشت و زراعت از بین رفت. ما به صورت طبیعی در مورد خشک‌سالی و آثار مخرب آن با سایر هم‌روستایی‌های خود صحبت و گاه‌گاهی از دولت به خاطر بی‌تفاوتی و ناتوانی‌اش در کمک به مردم آسیب‌دیده از خشک‌سالی انتقاد می‌کردیم. چند بار به همین خاطر احضار شدم و بار آخر دو ماه را در حبس گذراندم. به همین خاطر ناراضیتی از دولت زیاد شد و با اولین موج اعتراضات مردمی و صدای الله اکبر همراه شدیم.»

فریدمن با طرح این پرسش که آیا این سرنوشت یکی از خانواده‌ها است و یا سرنوشت همه خانواده‌هایی که دست به قیام مسلحانه زده و از کشور خود آواره شده‌اند، به مصاحبه فرمانده مسلح می‌رود که جبهه‌اش در نزدیک مرز با ترکیه است. فرمانده در محاصره افراد مسلحی است که همه از نزدیکان و وابسته‌گانش مانند برادر و برادر زاده‌هایش هستند و روایت مشابهی از انگیزه‌های قیامش دارد. وی می‌گوید که خشک‌سالی پدیده طبیعی است که در برابرش نمی‌توان کاری انجام داد؛ اما بی‌تفاوتی و اجبار دولت چیزی است که ما را وادار به قیام مسلحانه کرد. او می‌گوید که این قیام گرسنه‌گان است که به خاطر آزادی می‌رزمنند. فریدمن در پایان مصاحبه‌اش می‌گوید که خاورمیانه جایی است که هر روز خشک‌تر و داغ‌تر می‌شود و گرمی و خشک‌سالی باعث بی‌جاشدن بیش‌تر مردم و وقوع جنگ‌های بیش‌تر خواهد شد.^۵

فرح نصیف، یک مهاجر جوان دیگر سوری هم که در واشنگتن زنده‌گی می‌کند در مصاحبه با فریدمن می‌گوید که من یازده ساله بودم که اطرافیان ما در مورد خشک‌سالی صحبت می‌کردند. در کشور ما پیش از شروع انقلاب سال ۲۰۱۱، مردم فاجعه دیگری را تجربه کرده بودند و آن فاجعه، خشک‌سالی بود که دولت برای مقابله با آن هیچ کاری نکرد. بی‌تفاوتی دولت مردم را خشمگین ساخت و همه به خیابان‌ها ریختند. در اثر خشک‌سالی، مردم از روستاها به شهرهای بزرگ دمشق و حمص آواره شدند و در مناطق فقیرنشین شهرهای بزرگ مسکن گزیدند. این آواره‌گان به خاطر نداشتن سرپناه مجبور بودند که تا ده نفر در یک اتاق بخوابند. بیش‌ترین افراد ناراضی از

کشاورزی می‌شود. این نوع خشک‌سالی در بلندمدت می‌تواند عملاً بخش عمده کشت و زراعت را به تعطیلی بکشاند و کشور را دچار بحران اقتصادی کند. این مرحله بعد از خشک‌سالی اجتماعی - فرهنگی است؛ یعنی وضعیتی که عملاً بحران اقتصادی ناشی از خشک‌سالی بلندمدت، زیرساخت‌های اجتماعی را تغییر می‌دهد. در مرحله آخری، خشک‌سالی می‌تواند حتا جامعه را دچار تنش روانی کند و به‌ویژه باعث افزایش تندروری و خشونت شود. این همان چیزی است که به آن خشک‌سالی روان‌شناختی گفته می‌شود.

به باور دانشمند متذکره، میزان تأثیرپذیری کشورها در برابر خشک‌سالی بستگی به عوامل مختلف دارد که عمده‌ترین آن‌ها، میزان وابستگی به منابع طبیعی، میزان آسیب‌پذیری در برابر انواع تنش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و واکنش حاکمیت به تغییرات ناشی از خشک‌سالی است.

برای مثال، طبیعی است که قطر (کشوری با کم‌ترین وابستگی به منابع طبیعی هم‌چون آب و خاک)، بسیار کم‌تر از کشورهای حوزه شاخ آفریقا (که معیشت عمده مردمان آن زراعت و تربیه مواشی است)، نگران خشک‌سالی باشد.

یا این‌که قاعدتاً پاکستان، عراق، سوریه، یمن و افغانستان به خاطر وجود زمینه‌های نهفته و بالقوه بروز خشونت‌های قومی و مذهبی، بسیار سریع‌تر از کشورهای دیگری که در این زمینه کم‌تر آسیب‌پذیرند، مستعد بروز خشونت‌ها و ناپایداری‌های سیاسی ناشی از خشک‌سالی‌های درازمدت‌اند.

و در نهایت این‌که قطعاً تأثیر خشک‌سالی در کشورهای هم‌چون کویت و امارات و عمان و اردن، با برخورداری از منابع مالی کافی برای کنترل اثرات تغییر اقلیم و هم‌چنین وجود حاکمیت متمرکز و مسوول، کاملاً متفاوت خواهد بود - با تأثیر همین پدیده در افغانستان و پاکستان، با شرایط حاکمیتی متفاوت.^۶

خشک‌سالی که به خشونت تبدیل شد

توماس فریدمن، خبرنگار روزنامه نیویارک تایمز که سال‌های درازی در شرق میانه فعالیت کرده و به زبان عربی آشنایی دارد، رشته فلم مستندی را زیر عنوان بحران آب و خشک‌سالی در شرق میانه تهیه کرده است. وی در این رشته گزارش‌های مستند، بحران آب در خاورمیانه و پیوند آن با تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر را بررسی کرده است. فریدمن می‌گوید: «در مسیر سفر خود به سوریه با خانواده‌ای مواجه شدم که از جنگ سوریه گریخته و به ترکیه پناه گرفته بودند. پسر جوان خانواده که حدود بیست سال سن داشت در مصاحبه با من، البوم عکس‌های خود را ورق زد و تصویری از برادر جوان خود را نشان داد که در جنگ کشته شده بود و در تصویر دیگر خودش دیده می‌شد که تفنگ در دست، سوار تانکی است که از اردوی سوریه به تصرف‌شان درآمده است.» پس از آن، مادر خانواده که نسرين الماسی نام و حدود پنجاه سال سن داشت، لب به سخن گشود و گفت: «قبل از شروع جنگ، ما زنده‌گی آرامی داشتیم و معیشت روزانه ما از کار در مزرعه و کشت و زراعت تأمین

پوهندوی نجیب آقا فهیم

بخش اول

حواشی شهرهای بزرگ بودند که مهاجرت آن‌ها ریشه در خشک‌سالی داشت که چهار سال قبل از شروع انقلاب آغاز یافته بود.

فریدمن می‌گوید: «بر مبنای گزارش‌های سازمان ملل، دو میلیون نفر در اثر خشک‌سالی دچار فقر شدید و مهاجرت شدند و خشک‌سالی بخشی از یک روند بود. بر اساس گزارش اداره ملی اقیانوسی و جوی امریکا، در چهل سال گذشته تغییرات اقلیمی، منطقه مدیترانه را با خشک‌سالی شدید مواجه ساخته است که سوریه در مرکز آن قرار دارد.»

وی در ادامه گزارش خود، به یک گزارش محرمانه سازمان ملل اشاره می‌کند که به دستش رسیده است. در گزارشی که سه سال قبل از شروع بحران و انقلاب توسط یک دیپلمات ارشد آن سازمان تهیه شده بود، در مورد این‌که خشک‌سالی تمام سوریه را به سوی بحران و بی‌نظمی خواهد کشاند، ابراز نگرانی شدید شده بود.

سوزان رایس، مشاور امنیت ملی رییس جمهور اوباما در مصاحبه‌ای با فریدمن در پاسخ به این سوال که آیا می‌تواند ارتباطی میان خشک‌سالی و جنگ سوریه وجود داشته باشد، گفته است: «ما به این درک رسیده‌ایم که تغییر اقلیم به یک موضوع مهم امنیت ملی مبدل شده است. طوفان، سیل، خشک‌سالی و قحطی پدیده‌هایی اند که می‌توانند منتهی به فقدان امنیت انسانی و زمینه‌ساز بی‌ثباتی و جنگ شوند.»

سوزان رایس در پاسخ به سوال دیگری که تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ شمال سوریه چه سهمی در تحولات انقلابی آن کشور داشته است، می‌گوید: «تعیین سهم این عوامل در بحران سوریه مشکل است؛ اما همه می‌دانیم که جایی که فقر، عدم امنیت، حکومت‌داری ضعیف و سیاست سرکوب وجود داشته باشد، خشک‌سالی زمینه را برای شعله‌ور شدن جنگ آماده‌تر می‌کند. یا به تعبیر دیگر، جایی که خشک‌سالی شدید باشد، می‌تواند جامعه تحت فشار را به شکنندگی برساند و این چیزی بود که در سوریه اتفاق افتاد.»^۷

این در حالی است که جمیز کلیپر، رییس سازمان مرکزی استخبارات امریکا (سی‌آی‌ای) در یکی از گزارش‌های خود به نشست استماعیه کمیته استخبارات سنای امریکا نیز به این موضوع اذعان می‌کند و می‌گوید: «در وضعیت فعلی، کمبود آب تازه به یکی از تهدیدهای اصلی به امنیت انسانی در سطح جهان مبدل شده است.»^۸

توماس فریدمن در ارزیابی‌های منطقه‌ای خود رد پای خشک‌سالی را در یمن تعقیب می‌کند و می‌گوید که در سفر به یمن که یکی از ناپایدارترین مناطق جهان است، به ملاقات رییس جمهور آن کشور رفتم، منصور هادی نیز در مورد این‌که کمبود آب یکی از اصلی‌ترین دلایل ناپایداری‌ها در آن کشور است، برای من صحبت کرد.

از وی پرسیدم که تغییر اقلیم چگونه تأثیری بالای بارنده‌گی و منابع آب در یمن داشته است، منصور هادی گفت: «باران به ندرت می‌بارد؛ وقتی که می‌بارد شدیدتر و مخرب‌تر است. در گذشته باران آرام‌تر و به اندازه می‌بود و بارنده‌گی میان یک هفته تا یک ماه ادامه پیدا می‌کرد.» فریدمن باز می‌پرسد که آیا در گذشته هم شاهد این‌گونه تغییرات در وضعیت اقلیمی بوده‌اید؟ در جواب، منصور هادی می‌گوید که این وضعیت را در طول عمر خود تجربه نکرده‌ام. رییس جمهور در ادامه می‌افزاید که وضعیت آب در بسیاری مناطق به حدی بحرانی است که منجر به خشونت می‌شود.

فریدمن می‌پرسد که بزرگ‌ترین چالشی که یمن در زمینه آب با آن مواجه است، چیست؛ آیا ممکن است که روزی ذخایر آب در یمن به پایان برسد؟ منصور هادی در جواب می‌گوید که بلی، ممکن است.^۹

ادامه در صفحه ۹

۱- همشهری آنلاین، مفاهیم: خشک‌سالی چیست؟ ۴ شهریور ۱۳۹۲.

۲- تعریف علمی خشک‌سالی چیست؟ درجات مختلف خشک‌سالی، روزنامه الکترونیکی عصر اسلام، صفحه نخست، مقالات، ۱۳۹۸/۹/۳۰.

۳- الیوت هریس، خطرات نگران‌کننده در پس رشد جهانی پیوسته، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، تهران، صفحه اصلی، اخبار، رویدادها.

۴- ناصر کرمی، بحران آب؛ ایران چقدر با آستانه تغییر فاصله دارد؟ بی‌بی‌سی، ۲۳ اکتبر ۲۰۱۶ - ۲ آبان (عقرب) ۱۳۹۵، رسانی.

۵- آهنگ نیک کوثر، بوتیوب، برنامه آبانگان، قسمت ۱۰۸، ۲۳ جنوری ۲۰۱۷.

۶- آهنگ نیک کوثر، بوتیوب، برنامه آبانگان، قسمت ۱۰۸، ۲۳ جنوری ۲۰۱۷.

7-YouTube, Trans boundary water resources and way to manage disputes, VOA news, 24 march 2015.

۸- نیک آهنگ کوثر، بوتیوب، برنامه آبانگان، نگاهی به گزارش توماس فریدمن در ارتباط با بحران آب و خشک‌سالی در خاورمیانه، قسمت اول، ۵ دسامبر ۲۰۱۶.

خشک‌سالی...

فریدمن به این باور است که گفته‌های منصور هادی حقیقت دارد؛ چون متخصصان به این باور هستند که شاید یمن اولین کشوری در جهان باشد که منابع آب خود را به صورت کامل از دست بدهد. فریدمن می‌گوید: «با کایل فاستر که مشاور توسعه و از جمله متخصصانی است که ۲۵ سال قبل به عنوان سپاه صلح به یمن آمده و تصمیم به اقامت در آن جا گرفته است، دیداری داشتیم، وی گفت: آبی که برای شرب و زراعت در یمن استفاده می‌شود، از آب‌های فسیلی و غیرقابل تجدید زیرزمینی است که هزارها سال قبل تشکیل شده است. من نمی‌گویم که این منابع فردا به پایان می‌رسد؛ اما گفته می‌توانم که برای دوامش دست به دعا شده‌ایم». فریدمن در تبصره شوخی‌آمیز خود می‌گوید که این شاید اولین پیش‌گویی منصور هادی باشد که در زنده‌گیش تحقق یافته است.

فریدمن در کنار یکی از چاه‌های آب که فعلاً خشک است، از کایل فاستر می‌پرسد: «وقتی این چاه را کردند، به عمق چند متری به آب رسیده بودند؟» وی می‌گوید که در عمق پنجاه الی شصت متری که این موضوع در سی سال قبل یک امر عادی بود. وی در پرسش دیگری این سوال را مطرح می‌کند که اگر فعلاً در این منطقه چاهی حفر شود، در عمق چند متری آب می‌دهد؟ کایل فاستر پاسخ می‌دهد که در عمق ۸۰۰ الی هزار متری. وی می‌افزاید که این مخازن زیرزمینی پایان‌پذیر است و یک روزی به پایان می‌رسد؛ اما نمی‌دانیم چه وقت. این وضعیتی است که بالای تمام چاه‌ها در یمن حاکم شده است. به گفته فاستر، رشد جمعیت و مدیریت خطا باعث بروز این وضعیت شده و تغییر اقلیم در آن نقش چندانی نداشته است. ولی دانشمندان این را می‌دانند که تغییرات اقلیمی باعث کمبود آب در سراسر دنیا خواهد شد؛ به خصوص بخش وسیعی از آفریقا، جنوب آسیا، شرق میانه و همین‌طور جنوب غرب آمریکا از

آن متأثر خواهند شد. فریدمن می‌گوید آن‌چه در یمن امروز اتفاق افتاده است، می‌تواند تصویری از آینده خود ما باشد و این آینده بسیار ترسناک است. فریدمن در ادامه سفرش عبدالرحمان الاپریانی، مشاور تغییر اقلیم رییس جمهور یمن را با خود همراه می‌کند و با چرخ‌بال به محلی در ۲۰۰ کیلومتری شهر صنعا می‌رود؛ جایی که تلاش برای رسیدن به آب به جنگ خونین و کشته‌شدن مبدل شده است.

تعر، دومین شهر بزرگ یمن و اولین شهری است که منابع آب خود را از دست داده است. بنا به گفته مشاور رییس جمهور، مردم شهر تعز هر سی تا چهل روز یکبار آب به دست می‌آورند، آن هم برای دو روز. پس از آن باید برای سی تا چهل روز دیگر منتظر بمانند. در صورت ضرورت در این فاصله زمانی، مردم مجبور اند، آب مورد نیازشان را با قیمت بسیار بالا خریداری کنند.

فریدمن می‌گوید: «چرخ‌بال حامل ما به سوی منطقه‌ای به‌نام کوه صابر که در بالادست شهر تعز موقعیت دارد، پرواز کرد. در منطقه صابر یک چشمه باستانی وجود داشت که نیازهای آبی دو روستای المرزوح و قراچ را تأمین می‌کند. کاهش آب و افزایش نفوس سبب شده است که موضوع تقسیم آب به عامل نزاع داخلی میان دو روستا تبدیل شود؛ نزاع هنوز هم ادامه دارد و باعث قتل چندین نفر از میان اهالی دو روستا شده است. به گفته مشاور رییس جمهور، منازعه بر سر آب در منطقه به یک امر عادی مبدل شده و دلیل ۶۰ درصد منازعات برون‌شهری، اختلاف بر سر تصرف و تقسیم منابع آب است. وقتی از چرخ‌بال پایین شدیم، تعجب کردیم که شهر تعز با این بزرگی چطور بدون منبع آب است.»

فریدمن در مصاحبه با رییس‌ان روستاهای قراچ و المرزوح در مورد علت نزاع و تاریخچه آن سوال می‌کند. رییس روستای المرزوح می‌گوید که نزاع ما سخافت دارد و نقض و پانهادن روی عقلانیت به معنای عام آن، بدون هیچ مقصد و غایت والا تر و خاصی است. به این اعتبار که مجنون در مرتبه و منزلتی سافل‌تر و دون‌تر از عقل عامه ایستاده است و قوه عاقله او دچار نقصان و ایرادی است. لذا از عمل کردن حساب‌گرانه و با اندیشه به منتهای مسیرش، عاجز است. چنان که متذکر شدم؛ این جنون نسبت مستقیمی با بلاهت و سخافت دارد. یعنی مجنون ابایی از سخیف و نامقدار به نظر رسیدن ندارد. یا به عبارت دیگر، هیچ مرزی حتما مرزهای مسلم و بدیهی اخلاقی را نیز ارج‌گذار نیست و وقتی نمی‌نهد، این مجنون‌ها اگر کاری غیرعادی می‌کنند، ناشی از لایعقلی و بی‌فکری آن‌ها است. از سوی دیگر، قاضی قدرت‌مند گیتی، زمان، این مجنون‌ها را در میان تندباد حوادث معدوم و گم می‌کند. در حالی که نقش مجنون فراتر از عقل را همواره سدید بر اوراق تاریخ می‌کوبد. گویی مجنون‌ها همه به درختان می‌مانند و این توفان تاریخ است که مشخص می‌کند، کدام با ریشه و فراسوی عقل و کدام بی‌ریشه و رفتنی با این تندباد است.

مجانین فراتر از عقل؛ این طایفه از مجنون‌ها به دنبال چیزی فراتر از عقلانیت متعارف و عامه‌اند. زیرا آن را کافی نمی‌دانند و پاسخ همه پرسش‌هایشان را آن‌جا نمی‌یابند. پرسش‌گر و متجسس استند، حصارهای خرافی و زاینده جهل جامعه را می‌درند و خودفریب نیستند. کما این نکته که اگر گالیله و کوپرنیک این مشهور را که زمین مسطح و هموار است، می‌پذیرفتند، ایداً به اکتشافات انقلابی و انفجارهایی که در تاریخ علم رقم زدند، نایل نمی‌شدند. شاید این بیت شعر پیر کبیر در مثنوی به خوبی روشن‌گر تفاوت میان این دو گروه

به گفته ناصر کریمی، اقلیم‌شناس، خشک‌سالی هواشناختی در نتیجه کاهش بارش نسبت به متوسط معمول به وجود می‌آید.

دوام این نوع خشک‌سالی به خشک‌سالی هیدرولوژیک (کاهش موثر منابع آب جاری و زیرزمینی) منجر می‌شود.

خشک‌سالی هیدرولوژیک در از مدت زمین‌ساز خشک‌سالی کشاورزی می‌شود. این نوع خشک‌سالی در بلندمدت می‌تواند عملاً بخش عمده کشت و زراعت را به تعطیلی بکشاند و کشور را دچار بحران اقتصادی کند.

این مرحله بعد از خشک‌سالی اجتماعی - فرهنگی است؛ یعنی وضعیتی که عملاً بحران اقتصادی ناشی از خشک‌سالی بلندمدت، زیرساخت‌های اجتماعی را تغییر می‌دهد. در مرحله آخری، خشک‌سالی می‌تواند حتا جامعه را دچار تنش روانی کند و به‌ویژه باعث افزایش تندروی و خشونت شود. این همان چیزی است که به آن خشک‌سالی روان‌شناختی گفته می‌شود.

۱۳ سال قبل با حمله برادران ما از قراچ آغاز شد؛ در این حمله مخزن آبی را که با صرف ۲۰ میلیون دالر

توسط دولت برای اهالی روستا ساخته شده بود، نابود ساختند و با تخریب لوله آب، آب را بالای ما قطع و مسیر آن را به سوی روستای قراچ منحرف کردند. فریدمن در مصاحبه با رییس روستای قراچ همین سوال را مطرح می‌کند، وی می‌گوید که مردم دو روستا صدها سال در صلح و آرامش زنده‌گی داشتند؛ اما کمبود آب و افزایش جمعیت آن‌ها را در برابر هم قرار داد. وی می‌گوید که آب چشمه نسبت به گذشته به یک سوم تقلیل یافته است. او دلیل حملات خود را بالای روستای المرزوح، شلیک گلوله و قتل یک نوجوان ۲۲ ساله از سوی آنان عنوان می‌کند.

فریدمن می‌گوید که من در بیمارستان بین‌المللی شهر تعز رفتم، قربانیان جنگ آب را در آن‌جا دیدم، زخمی‌ها در مصاحبه با من گفتند که جنگ ما جنگ آب است و با سیاست و ایدئولوژی هیچ ارتباطی ندارد. وی می‌گوید آن‌چه به چشم سر دیدم، باورش برایم سخت است، بنابراین جنگ به خاطر آب، جنگ برای بقا است. «ما وقتی در امریکا به ریشه‌های خشونت فکر می‌کنیم، عامل آن را جدال بر سر قدرت و ثروت و یا دعوا بر سر دین و یا ایدئولوژی می‌دانیم؛ اما در جای دیگر، مردم یک‌دیگر را به خاطر آب می‌کشند که این برای من ترسناک است، به خاطری که این جنگ برای بقا است. آن‌چه در یمن دیدیم می‌تواند پیش‌نمایش کوچکی باشد از وضعیتی که تغییر اقلیم به بار آورده است؛ وضعیتی که در آن جنگ خطرناک برای زنده‌ماندن در یک مقیاس گسترده و وحشتناک در حال وقوع است.»

با در نظر داشت عوامل فوق، امروزه مسایل زیست‌محیطی و به خصوص مسأله آب یکی از پارادیم‌های اصلی امنیت ملی کشورها را تشکیل می‌دهد و در همراهی با روند افزایش جمعیت، تغییرات اقلیمی، جهانی‌شدن و وابستگی متقابل، این مسأله در صدر مسایل امنیتی در کشورهایی که دارای اقلیم خشک‌اند، مطرح می‌شود.

۹- آهنگ نیک کوثر، یوتیوب، برنامه آبانگان، قسمت ۱۰۸، ۲۳ جنوری ۲۰۱۷.

۱۰- نیک آهنگ کوثر، یوتیوب، برنامه آبانگان، دوره جدید، قسمت ۲۳، ۱۹ اکتوبر ۲۰۱۷.

جنون مقدس

سیرت فرمان

آزاد اند. لذا امکان‌هایی را بررسی می‌کنند که از نظرگاه یک عامی منتفی و ناشدنی است. چه بسی کارهایی که تا قبل از انجام‌شان ناممکن به نظر می‌رسید. در واقع این مجنون‌ها واجد حس عصیان و ناسازگاری بسیار قوی استند. عموم مردم می‌خواهند خودشان را با محیط اطراف خود موزون و سازگار کنند. اما این مجانین می‌کوشند محیط اطراف را با خود متوازن و هم‌آهنگ کنند. پیش‌رفت بسته‌گی به این شوریده‌گان دارد، چون همین‌ها در پی تغییر و بهتر کردن جهان برمی‌آیند.

ممکن بپرسید وقتی این آدم‌ها این قدر خارق‌العاده و خوب‌اند، چرا باید از واژه مجنون در خطاب به آن‌ها بهره جست؟ یک دلیل ساده و درشت دارد. مردم چیزی را که توضیحی برای آن ندارند، به جنون و دیوانه‌گی نسبت می‌دهند. در ثانی بنا بر تجربه تاریخی، مردم در مقابل هر حرکتی که عزم آن یک تغییر بزرگ و بنیادی باشد، می‌ایستند. مردم معمولاً از تغییر هراسان‌اند.

در فرجام هم باید گفت که محمود دولت‌آبادی در مستند «شاملو؛ شاعر بزرگ آزادی» ساخته مسلم منصور، جنون و شاعرانه‌گی را که شاملو از کودکی در خود یافته بود، «جنون مقدس» می‌نامد. مضاف بر این‌که اگر همین جنون مقدس این دیوانه‌گان نبود، ارايه تمدن تا این جایی هم که آمده است، نمی‌توانست بیاید. این جنون موهبتی است که به بشر امکان رهایی و گریز از پرت و پلاهای نازل و میان‌تهی تاجران قداست فروش را می‌دهد. در پایان هم به قول ابوالمعانی: «با هر کمال اندکی آزاده‌گی خوش است - گیرم که عقل کل شده‌ای، بی جنون مباح.»

باشد: «آن گل سرخست، تو خونش مخوان - مست عقل است او، تو مجنونش مخوان.» به ظن من، مجنون در این بیت همانا مجنون فروتر از عقل است. این قماش مجنون‌ها، نهنگ‌هایی استند که در برکه‌های تنگ و تاریک سنت و فرهنگ خویش نمی‌گنجند. ارزش‌هایی را که مردم بی‌شبهه و پرسشی از دل و جان می‌پذیرند، زیر سوال می‌برند و ساحت قدسی اراجیف و اباطیل و تراثت را به چالش می‌کشند. تهور و سرنترسی شک بر اعتقادات ستبر و سخت را دارند و با جرأت آن‌چه را عقل‌شان نمی‌پذیرد، از اعتبار ساقط می‌دانند. لکه تار و تحمل‌گذاز دیوانه‌گی را به جان می‌خرند و اما دست از بالنده‌گی و بر آسمان پریدن بر نمی‌دارند. دنیای آن‌ها، دنیای خود آن‌ها است.

عوام همه محصور و محبوس یک چرخه رباتیک‌اند. چرخه‌ای که یک سرمشق و نمونه به آن‌ها هدیه می‌کند و آن‌ها هم به خودشان زحمت بازاندیشی و تردید در این چرخه را نمی‌دهند. همانا که به قول انشتاین تفکر کار ساده و سهلی نیست. آخرین سنگرشان هم این است که وقتی این همه آدم، این چرخه را پذیرفته‌اند، لابد لطف و حقیقتی در او نهفته است. غافل از این که به قول مارکس: «حتا اگر میلیاردها آدم هم پشت یک باور غلط بایستند، باز آن باور هم‌چنان غلط است.» القصه این‌که عامیان بنابر تقلید، داخل یک چارچوب مشخصی می‌اندیشند. خلق را تقلیدشان برباد داد. به هر رو، حرف مهم این‌که مجانین فراتر از عقل، خارج از چارچوب می‌اندیشند و از این چرخ باطل گریزانند.

این آدمی‌زاده‌گان برخلاف انسان‌هایی که در قید چارچوب‌های ذهنی خویش استند، از این بندها رها و

دبیر بخش ویدیو: خیرنگاران:

ویراستاران: صفحه آرایی: پذیرش اعلان: نشانی پستی: نشانی دفتر کابل: ۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صاحب امتیاز: مدیرمسئول: سردبیر: دبیر گزارش‌ها: دبیر بخش خبر: دبیر بخش صلح: دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

سنجر سهیل: mujib_mehrdad@yahoo.com
محبوب مهرداد: mujib_mehrdad@yahoo.com
خلیل اسیر: 8am.daily@gmail.com
حسین بهش: علی شاه حقمیل
آسیه حمزه‌ای

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

STUDENT'S ACCOUNT



حساب جاری محصلین/متعلمین

عزیزی بانک مسرت دارد که محصول ویژه ای خود را به نام "حساب جاری محصلین/متعلمین" راه اندازی کرده است. با افتتاح حساب متذکره، برای محصلین/متعلمین، کارت مجانی ماشین خود پرداز صرافتی و ماستر دیت کارت با تخفیف فیس سالانه داده میشود.

www.azizibank.af 1515



عزیزی بانک
Azizi Bank



شمار پناهجویان گریخته از خشونت‌های آفریقای مرکزی ظرف یک هفته دو برابر شد

به گزارش یورونیوز فارسی، سازمان ملل متحد می‌گوید تعداد افرادی که از ماه دسامبر به دلیل تشدید خشونت‌ها در آفریقای مرکزی از این کشور گریخته‌اند، ظرف یک هفته دو برابر شده است.

کمیساریای عالی پناهنده‌گان سازمان ملل متحد روز جمعه با اعلام این مطلب یادآور شده که شمار پناهجویان گریخته از خشونت‌های آفریقای مرکزی طی یک هفته به دو برابر افزایش یافته و اکنون شمار این افراد به ۶۰ هزار نفر رسیده است.

بوریس چشیرکوف، سخنگوی کمیساریای عالی پناهنده‌گان سازمان ملل متحد، ضمن اشاره به آمار تازه پناهجویان یاد شده، در یک نشست خبری تصریح کرد که تنها در روز سیزدهم جنوری ۱۰ هزار نفر برای پناه بردن به جمهوری دموکراتیک کنگو از رودخانه اوبانگی گذر کرده‌اند. این مسوول سازمان ملل متحد در ادامه به نماینده‌گی از کمیساریای عالی پناهنده‌گان خواستار پایان یافتن فوری کلیه خشونت‌ها در جمهوری آفریقای مرکزی و بازگشت فوری کلیه طرفین مخاصمه به میز مذاکرات سازنده برای پیشرفت در جهت دستیابی به صلح شد.

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان همچنین اعلام کرده که اطلاعاتی حاکی از رفتارهای غیرقانونی و سوءاستفاده گروه‌های مسلح از قدرت، در دست دارد که به مواردی چون خشونت جنسی، حمله بر رای‌دهنده‌گان و غارت اموال مردم مربوط می‌شود.

اغلب افراد گریخته از ناآرامی‌های آفریقای مرکزی به جمهوری دموکراتیک کنگو پناه برده‌اند و براساس آمارها تعداد افراد یاد شده در این کشور هم اکنون به ۵۰ هزار نفر می‌رسد.

براساس گزارش سازمان ملل متحد طی یک ماه گذشته دست‌کم ۹ هزار نفر از ساکنان آفریقای مرکزی نیز موفق به خروج از کشور و پناه گرفتن در کنگو، چاد و کامرون شده‌اند.

به گفته سخنگوی کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان حدود ۵۸ هزار نفر از ساکنان آفریقای مرکزی در داخل این کشور مجبور به ترک خانه و کاشانه و آواره شده‌اند.

ایتلافی متشکل از شش گروه قدرت‌مند مسلح در آفریقای مرکزی که از ابتدای جنگ داخلی در سال ۲۰۱۳ تاکنون کنترل دو سوم خاک این کشور را در دست دارد، ۱۹ دسامبر گذشته، هشت روز پیش از انتخابات ریاست جمهوری و قانون‌گذاری، حملات مسلحانه برای جلوگیری از انتخاب مجدد فوستن-آرکانژ توادرا به ریاست جمهوری آفریقای جنوبی را آغاز کردند. آقای توادرا که از سیاستمداران کهنه‌کار آفریقای جنوبی است، طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ سمت نخست‌وزیری را برعهده داشت و در سال ۲۰۱۶ به ریاست جمهوری آفریقای جنوبی برگزیده شد.

انتخابات بحث‌برانگیز آفریقای جنوبی در روز بیست‌وهفتم دسامبر که مخالفت گسترده اپوزیسیون را به همراه داشت، سرانجام روز چهارم جنوری برنده خود را اعلام کرد.

آقای توادرا در حالی به عنوان فرد پیروز معرفی شد که به دلیل خشونت‌ها ناامنی‌های فزاینده در بانگی، پایتخت آفریقای مرکزی، از هر دو فرد ثبت نام شده برای انتخابات تنها یک نفر موفق شد که رای خود را به صندوق بیندازد. شورشیان مسلح روز چهارشنبه گذشته بر مناطقی در حومه بانگی حمله کردند که در جریان این درگیری‌ها دوازده تن از مهاجمان و یک نیروی کلاه‌آبی حافظ صلح، جان باختند.

بایدن طرح ۱.۹ تریلیون دلاری برای مقابله با پی‌آمدهای اقتصادی کرونا را اعلام کرد

دولت برای کمک به اقشار نیازمند از پرداخت کمک هزینه دو هزار دلاری حمایت کرد، ولی در نتیجه مخالفت نماینده‌گان حزب جمهوری خواه در سنا، در نهایت با کمک هزینه ۶۰۰ دلاری موافقت کرد.

اکنون با این بسته ارائه شده توسط جو بایدن در مجموع شهروندان نیازمند امریکایی دو هزار دلار خواهند گرفت.

رسانه‌های امریکایی پیش‌بینی می‌کنند که آقای بایدن نیز برای تصویب مشوق‌های مالی خود به احتمال فراوان با مخالفت جمهوری خواهان روبه‌رو خواهد شد، ولی اکنون اکثریت دموکرات در هر دو مجلس قانون‌گذاری امریکا می‌تواند تصویب این طرح را تضمین کند.

در ادامه این سخنرانی جو بایدن از روند واکنش‌های در امریکا توسط دولت فعلی به شدت انتقاد کرد و آن را شکست‌خورده نامید.

جو بایدن در سخنرانی ۲۵ دقیقه‌ای‌اش گفت که براساس این طرح، منابع مالی بیش‌تری به گسترش آزمایش کرونا و توسعه واکنش‌های واکنش‌های اختصاص خواهد یافت.

در این طرح ۵۰ میلیارد دلار برای گسترش آزمایش کرونا اختصاص خواهد یافت. هم‌چنین حدود ۱۳۰ میلیارد دلار برای کمک به بازگشایی ایمن مدارس در نظر گرفته شده است.

او وعده داد که در ۱۰۰ روز اول ریاست جمهوری خود، ۱۰۰ میلیون نفر واکسین شوند.

رییس جمهوری منتخب امریکا در ادامه تأکید کرد که حداقل دست‌مزد در سطح ملی باید ۱۵ دلار برای هر ساعت باشد.

جو بایدن روز چهارشنبه هفته آینده به عنوان رییس جمهوری جدید امریکا سوگند یاد خواهد کرد.

به گزارش رادیو فردا، جو بایدن، رییس جمهور منتخب امریکا، روز گذشته بسته مشوق‌های مالی ۱.۹ تریلیون دلاری دولت آینده برای احیای اقتصاد امریکا و کمک به اقشار آسیب‌پذیر را اعلام کرد.

جو بایدن در سخنرانی‌ای که از رسانه‌های امریکا به صورت زنده پخش شد، گفت که این بحران باعث رنج انسان‌های شده و فرصتی برای اتلاف وقت وجود ندارد. او تأکید کرد که شیوع ویروس کرونا در امریکا، پی‌آمدهای گسترده‌ای برای کسب‌وکارهای کوچک، اقلیت‌های نژادی و زنان داشته است. رییس جمهوری منتخب امریکا تصریح کرد که کمک به اقشار آسیب‌پذیر جامعه و نیازمندان، از محورهای اصلی این بسته مشوق مالی برای احیای اقتصاد و مقابله با پی‌آمدهای کرونا است.

جو بایدن در ادامه تأکید کرد که اقدام در این زمینه «نه تنها یک ضرورت اقتصادی»، بلکه «یک وظیفه اخلاقی» است. رییس جمهور منتخب امریکا با این حال اذعان کرد که هزینه این طرح کم نخواهد بود. براساس این بسته مشوق مالی، هر شهروند امریکایی چکی به مبلغ یک هزار و ۴۰۰ دلار دریافت خواهد کرد.

جو بایدن در جریان سخنرانی خود چند بار تکرار کرد که برای مقابله با پی‌آمدهای کرونا باید فوری و قاطع عمل کرد.

تاکنون بیش از ۳۸۵ هزار نفر در امریکا بر اثر ابتلا به کووید-۱۹ جان داده و شمار مبتلایان به ویروس کرونا به ۲۲.۷ میلیون نفر رسیده است. تحت تأثیر قرنطین و کاهش فعالیت‌های اقتصادی طی ۹ ماه اخیر، میلیون‌ها نفر نیز بی‌کار شده‌اند. دونالد ترامپ در آخرین طرح مشوق‌های مالی



زمین‌لرزه در اندونزی؛ ده‌ها کشته و صدها زخمی

به گزارش دویچه‌وله فارسی، در زمین‌لرزه‌ای سنگین در جزیره سولاوسی اندونزی، دست‌کم ۳۵ نفر جان داده‌اند. تلاش مأموران امداد برای نجات شهروندانی که زیر آوار گیر مانده‌اند، ادامه دارد.

در زمین‌لرزه‌ای با شدت ۶/۲ م به مقیاس ریشتر در جزیره سولاوسی اندونزی، صدها نفر زخمی شده‌اند که وضعیت جسمانی تعدادی از آن‌ها وخیم گزارش شده است. تاکنون دست‌کم ۳۵ نفر جان باخته‌اند، اما تلاش نیروهای نجات و امداد برای بیرون کشیدن قربانیان از زیر آوارها، ادامه دارد.

در منطقه چندین خانه و عمارت فرو ریخته یا آسیب دیده‌اند. از جمله بنای دو شفاخانه و ساختمان شهرداری در شهر ماموجو فرو ریخته‌اند.

محمد ادریس، سخنگوی فرماندار این جزیره، گفته است: «در حال حاضر تلاش می‌کنیم مردم را از زیر آوار ساختمان شهرداری بیرون بکشیم. آن‌ها زیر آوار گیر افتاده‌اند و ما می‌توانیم صدای آن‌ها را بشنویم.»

عده بی‌شماری هنوز زیر آوار گیر مانده‌اند و امدادگران برای نجات آن‌ها منتظر دریافت ابزارهای مجهزتری هستند.

زلزله حدود ساعت یک‌ونیم بامداد روز جمعه، ۱۵ جنوری، به وقت محلی رخ داد و مرکز آن در غرب جزیره بود. بر اثر این زمین‌لرزه حدود دو هزار نفر خانه‌های خود را ترک کرده‌اند. دو روز قبل (پنجشنبه) زمین‌لرزه‌ای به شدت ۵/۹ به مقیاس ریشتر منطقه را لرزاند.

جزیره سولاوسی میان بورنئو و گینه نو قرار دارد.

کوریای شمالی از موشک بالستیک جدید با قابلیت شلیک از زیردریایی رونمایی کرد

عظیم‌ترین موشک‌های بالستیک مجهز به سامانه متحرک جاده‌ای در سراسر دنیا باشد.

به گزارش رویترز، این نخستین بار بود که کوریای شمالی پس از دو سال و به ویژه پس از دیدار با رهبران بین‌المللی از جمله دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا در سال ۲۰۱۸، از موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای خود رونمایی کرد.

کوریای شمالی طی سه سال گذشته هیچ آزمایش اتمی انجام نداده است. واپسین بار در تابستان ۱۳۹۶ بود که حکومت این کشور اعلام کرد یک بمب هایدروجنی را آزمایش کرده است. پیش‌تر پنج آزمایش دیگر نیز در این کشور انجام شده بود.

طی دو دهه اخیر، برنامه هسته‌ای و موشکی کوریای شمالی از محورهای اصلی بحران در شبه‌جزیره کوریا بوده است.

به رغم این که به دنبال دیدار تاریخی دونالد ترامپ و کیم جونگ اون در برج جوزای ۱۳۹۷ برای مدتی از سطح تنش‌ها کاسته شد، اما این دیدارها در زمینه پاک‌سازی شبه‌جزیره کوریا از سلاح هسته‌ای فرجامی نیافت.

است: «قوی‌ترین سلاح دنیا، موشک‌های بالستیک با قابلیت شلیک از زیردریایی، یکی پس از دیگری وارد میدان شدند و توان نیروهای مسلح انقلابی را قدرت‌مندانه به نمایش گذاشتند.»

کوریای شمالی تاکنون چندین بار دست به پرتاب آزمایشی موشک‌های بالستیک از زیردریایی زده است.

رویترز می‌گوید که در رژه نظامی روز گذشته برخلاف رژه برج میزان سال جاری، موشک بالستیک قاره‌پیمای (ICBM) کوریای شمالی به نمایش گذاشته نشد. گفته می‌شود این موشک‌ها می‌توانند کلاهک هسته‌ای حمل کنند و قادر اند هر نقطه از ایالات متحده را هدف قرار دهند.

تحلیل‌گران می‌گویند که این موشک می‌تواند یکی از

رادیو فردا به نقل از خبرگزاری رسمی کوریای شمالی می‌گوید که روز گذشته در جریان یک رژه نظامی، ارتش این کشور موشک‌های بالستیک جدید با قابلیت شلیک از زیردریایی را به نمایش گذاشت.

تصاویر منتشر شده نشان می‌دهد که این رژه نظامی با حضور کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی، در پیونگ‌یانگ برگزار شده است.

رویترز می‌گوید، در پایان این رژه تعدادی موشک که به اعتقاد تحلیل‌گران مدل‌های جدیدی از موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد با قابل پرتاب از زیردریایی بودند، به نمایش گذاشته شد.

خبرگزاری رسمی کوریای شمالی در این زمینه نوشته

